

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در باره برگزاری پلنوم شهریور ماه ۶۷

خودا بقا کرد. پلنوم همچنین پیام مـــهمی
جدا گانه ای خطاب به زندانیان سیاسی ایران، خطاب
به حزب کمونیست و سایر نیروهای مترقی عراق
در حمایت از خلق کردها و خطاب به حزب کمونیست
و حزب کارگری ترکیه در پشتیبانی از رفقا کولتسو و
سارگین صادر کرد.
پلنوم شهریور ماه ۶۷ کمیته مرکزی از نظر گستردگی طیف
مشارکتی که در دستورداشت و به حل و فصل آنها نایل گردیده، از
نظرمروبرکارنامه یکساله دستگاه رهبری و اظهار نظریرا مـــون
برخی از جوانان مهم آن، بویژه آن نظرات اهمیت تصمیمات
آن در رابطه با تدارکنخستین کنگره سازمان جوانان
برجستگی است. برگزاری موفقیت آمیز پلنوم شهریور ماه
۶۷ یک گام بزرگ و نیروبخش و پیش در راه تحقق اهداف
و لای انسانی و انقلابی سازمان است.

دبیرخانه کمیته مرکزی
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
اول مهر ۱۳۴۷

رژیم، تا مین دمکراسی و تضمین صلح مبارزه کنند،
میرحانام برده شده است.
پلنوم همچنین فعالیت های سیاسی در قاصد
دو پلنوم را مورد نقد و بررسی قرار داد و با صدور
قطعاتی مهمی در باره برخی از مهم ترین مسائل
و رخدادهای زندگی درون سازمان طی یک سال
اخبار اظهار نظر کرد.
مهم ترین عرصه کار پلنوم اتخاذ تصمیمات در زمینه
تدارکنخستین کنگره سازمان بود. پیرو تصمیمات
پلنوم های مهر ۶۳، فروردین ۶۵، مهر ۶۶ اکنون
در پلنوم شهریور ماه ۶۷ کامیابند دیگری در راه
برگزاری کنگره به پیش برداشته شده است. پلنوم
شهریور ماه، بررسی و تصویب پیش نویس طرح برنامه
سازمان را در دستوراساسی پلنوم اکثریت کمیته مرکزی
تعیین کرد. در پلنوم تصمیمات دیگری نیز در عرصه
های مختلف زندگی سازمانی و فعالیت انقلابی سازمان
در پاریس، پلنوم ارکان های دستگاه رهبری سازمان
را با همان ترکیب قبلی در مسئولیت ها

پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران
اکثریت در نیمه دوم شهریور ماه سال جاری تشکیل گردید
و با درود بر خاتمه رفیق کیمیا نوشیروا و لطفی و رفقا
فرا مرز صوفی، عمر براسی و عارف خلیفه زاده و
با درود بر دیگر شهدای قهرمانان سازمان و جنبش کار
خود را آغاز کرد. دستور کار پلنوم شهریور ۶۷ قرار بر این بود:
- بررسی گزارش های سیاسی به پلنوم کمیته
مرکزی در باره اوضاع سیاسی کشورهای موافق ما.
- بررسی گزارش فعالیت های سیاسی بیامون
مهم ترین مسائل و اظهار نظر در باره آن.
- اتخاذ تصمیمات ضروری در رابطه با تسهیل
برگزاری نخستین کنگره سازمان.
پلنوم پس از بحث روی گزارش های سیاسی
" بیامون اوضاع سیاسی کشورهای آن را با
اصلاحاتی مورد تصویب قرار داده و قرار ان انتشار آن را
مادر کرد. در این گزارش تحولات اخیر در اوضاع کشور
و سمت آن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و از
نیروهای که می توانند در یک جنبه وسیع با هدف سرنگونی

گزارش سیاسی پلنوم شهریور ماه ۶۷

پیرامون اوضاع سیاسی ایران و جهان

و غرب و یک پیروزی بزرگ برای مدافعان صلح جهانی است.
تحول فوق العاده مهم دیگر در این دوره، برقراری آتش بس میان
دو کشور ایران و عراق بر اساس قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل است. اما همچنان
هشت ساله، خلیج فارس را به یک کانون انفجاری بدل کرده بود. با قطع جنگ
این امید وجود دارد که منطقه خلیج فارس آرامش یابد و خطری که تشنج و فاع
منطقه برای صلح جهانی فراهم می کرد، برطرف شود. پس از قرار داد واشنگتن
قطع جنگ ایران و عراق بزرگ ترین دستاورد مبارزه برای کاهش تشنج جهانی
در یک سال گذشته است. برای تکمیل این پیروزی و استقرار صلح پایدار میان
دو کشور ایران و عراق، تلاش و مبارزه صلح خواهان باید ادامه یابد.
در جریان جنگ، در آغاز سال گذشته دولت ریگان با دستاویز قرار دادن
حملات نیروهای مدام و مخیمتی علیه خطوط کشتیرانی در خلیج فارس، ناوگان
عظیمی را روانه این منطقه کرد. علاوه بر آن توافق دول نا تورا نیز جلب کرد که
با اعزام ناوگان خود به خلیج فارس، با ماجراجویی های نظامی امپریالیسم
آمریکا در خلیج همراه شوند. در تاریخ مداخلة نظامی ۴۰ ساله آمریکا در خلیج
فارس، حضور چنین ناوگان عظیمی بی سابقه است. حضور مداخلة نیروهای
نظامی آمریکا و متحدان ناتوی آن عامل افزایش تشنج در منطقه است. با یاد
همه نیروهای خارجی به فوریت از خلیج فارس خارج شوند و برقراری امنیت
کشتیرانی در خلیج فارس باید بر عهده کشورهای منطقه قرار گیرد.
رویداد بسیار مهم دیگر این مدت، قیام یکپارچه خلق فلسطین علیه
اشغالگران اسرائیلی و برای اخراج آنان از مناطق اشغالی و تشکیل دولت
مستقل فلسطینی در آن مناطق است. در حال حاضر قیام با پشت سر گذاشتن
ماهیها، همچنان ادامه دارد. قیام دلبران خلق فلسطین به چنان سطحی
فرا رویداده است که در مقوف صهیونیست ها و اشغالگروحا میان آنها اخلاقیاتی
بقیه در صفحه ۲

اوضاع جهان :
رویدادهای سیاسی برجسته جهان در سال گذشته :
رفقا!
جهان در یک سال گذشته شاهد تحولات و رویدادهای بسیار مهم و در مواردی
دارای اهمیت تاریخی بوده است. شاخص ترین رویدادهای جهان در این مدت
عبارتند از: قرار دادن شوروی و آمریکا برای کاهش سلاح های هسته ای،
استقرار آتش بس بین دو کشور ایران و عراق، تجا و نیروهای آمریکا بسوی
متحدان ناتوی آمریکا به خلیج فارس، قیام یکپارچه خلق فلسطین،
بیشرفت های تعیین مشی آشتی ملی در برخی از مناطق متشنج جهان، بیشرفت
روند نسبی در اتحاد شوروی، چین و تعدادی از کشورهای سوسیالیستی جهان.
در نیمه دوم آذرماه ۶۶ تلاش های پیگیرانه اتحاد شوروی، دیگر کشورهای
سوسیالیستی و همه نیروهای صلح دوست جهان در کشورهای سرما یه داری بسا
انعقاد قرار داد واشنگتن بین سران اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا وارد
مرحله جدیدی شد. طبق قرار داد واشنگتن، موشک های میان برد کوتاه ه برد
هسته ای آمریکا و اتحاد شوروی نابود خواهند شد. عقد قرار داد فوق، راه پیشروی
جهان به سوی محو کامل سلاح هسته ای را هموار کرده است، نیروهای مدافع صلح
جهان موفق شدند که معاف فل نظامی گرای امپریالیستی را به عقب شینی وادارند.
دیدار واشنگتن نقطه عطفی در بهبود مناسبات بین المللی و روابط شرق

پیامهای پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) :

- به زندانیان سیاسی ۷ ص
- به حزب کمونیست عراق و جبهه نیروهای ملی و مترقی کردستان عراق ۸ ص
- به کمیته مرکزی حزب کمونیست و حزب کارگر ترکیه ۷ ص
- پیامها و فرآخوانیهای کمیته مرکزی سازمان
- پیام کمیته مرکزی سازمان به یزد و کوئینار دبیرکل سازمان ملل متحد ۷ ص
- پیام کمیته مرکزی سازمان به اعضاء و هواداران سازمان در خارج کشور ۷ ص
- فرآخوان کمیته مرکزی سازمان به آزادیخواهان ایران : ! زندانها را بخون کشیده اند، بیا خیزیم ۷ ص

زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی

گزارش سیاسی ...

بیدار آورده است. سال گذشته آمریکا بی همتا طرح دادن " خود مختاری محدود" به فلسطینیا را ساکن در سواحل غربی رود اردن را پیشنهاد کرده بودند. هدف آن طرح واکتورهای سیاسی و دیپلماتیک اخیر محافل غربی، فروتنانه شدن شعله های قیام است. حل مسأله فلسطین در گرو تشکیل دولت مستقل فلسطین در مناطق اشغالی تحت رهبری سازمان آزادی بخش فلسطین و شناسایی متقابل دولتین فلسطین و اسرائیل است. در این راه باید کنفرانسی بین المللی با شرکت همه طرف های درگیر در مسأله فلسطین و زیر نظر سازمان ملل تشکیل شود.

در یک سال گذشته مئی آشتی ملی در مناطقی از جهان که در آتش تشنج می سوخت، راه پیشروی خود را با همه دشواری ها گشود، اینکارات مسئولان محافل دولتی این کشورها و کشورهای سوسیالیستی راه مذاکرات طرفین درگیر در این جنگ ها را باز کرده، در بریتویست با زکریا ندن ملج به این کشورها و متحد کردن همه نیروهای میهن پرست به خاطر تامین بیشتر صلح آمیز ملی، مذاکرات طرفین درگیر در افغانستان به عقد قرارداد دژوانا میسر و در گامی دیگر نیکارا گوئی و آننگولا بیشترت های معینی حاصل شد.

در افغانستان مذاکرات پیرامون عادی سازی اوضاع در ۲۵ فروردیس ۶۷ به انعقاد قرارداد دژوانا میسر شد. در اجرای این توافق، نیروهای شوروی را با زکریا ندن خود را در پیش گرفتند. پس از قرارداد دژوانا، دولت شوروی و افغانستان در اجرای مسئولانه این قرارداد دهمه تلاش های خود را به کنسور گرفتند. و به تعهدات خود عمل کرده و می کنند. در حالی که هرگز کاری با کستان و آمریکا در برابر قرار می صلح ملی! ادامه یافته است. در اثر این خیابکاری ها، حملات جنا پیکارا در ضد انقلاب افغان که با مدرن ترین سلاح های آمریکا و پاکستان تجهیز شده اند، به شهرها و روستا های افغانستان افزایش یافته است. موک باران شهرها توسط ضد انقلاب افغان، تاکنون صدها کشته و زخمی سرچا گذاشته است.

در آننگولا، مذاکرات برای پایان دادن به تجاوز آفریقای جنوبی و جنگ داخلی! ادامه دارد. در این مذاکرات کوبا و آننگولا آمریکا و آفریقای جنوبی شرکت دارند. در حال حاضر سرخوچ نیروهای آفریقای جنوبی و کوبا بی آننگولا و استقلال نامیبیا، توافقی های مقدما تی حاصل شده است.

رغنا!
طی یک سال گذشته روند نوسازی در آنجا دشواری و برخی کشورهای سوسیالیستی با ادامه و بعدا متعاقباً و همچنان ادامه یافت. در آنجا دشواری روند نوسازی با تشکیل کنفرانس نوزدهم حزب کمونیست آنجا دشواری، به نقطه عطف مهمی دست یافت. کنفرانس فعالیت به ساله حزب کمونیست آنجا دشواری در زمینه نوسازی کشور بررسی نمود. تحارب اندوخته شده نوسازی در سه سال گذشته، با نوسازی ساختار سیاسی کشور در دستور قرار داده بود. مهم ترین مسأله ای که کنفرانس می با یست حل کننده همین بود. کنفرانس به این نتیجه دست یافت که پیشروی نوسازی در کوبا نوسازی ساختار سیاسی کشور است و برای این با به تصمیم گرفته شده شورای عالی آنجا دشواری توصیه کند در آن وقت در تانوان اساسی کشور تغییرات مناسب را در جهت تحقق کامل همه قدرت به شهرها و خودگردانی سوسیالیستی خلق وارد کند، با این با ن سال جاری مبادی ساختار جدید شکل بگیرد. در عین حال کنفرانس این نظر فاضای طرح مریح نظرات متشوع مخالف و میا دله آزادانه عقاید در مقایسه با همه معام عالی این حزب در دهه های گذشته بی نظیر بود.

در بین نوسازی با تشکیل کنگره سیزدهم حزب کمونیست چین در آبان ماه ۶۶ وارد مرحله جدیدی شد. کنگره شوروی ویراتیک ساختن سوسیالیسم در چین را نفاذ نه برسی نمود در سیاست خارجی کشور اطلاق کرد که در راستای منافع صلح جهانی و وسط مناسبات این کشور بر اساس همزیستی مسالمت آمیز با همه کشورهای جهان به ویژه کسترش همکاری با همه کشورهای سوسیالیستی می باشد.

روند نوسازی در برخی دیگر از کشورهای سوسیالیستی با آهنگ و بزگی های خود در حال پیشروی است.

رویدادهای سیاسی برجسته جهان در یک سال گذشته بی انکرات است که طی این مدت جهان در مجموعه خود در جهت گام های تشنج سیر کرده است. نتایج دیدار سران آمریکا و شوروی در واشنگتن و مسکو، قطع جنگ ایران و عراق، انعقاد قرارداد دژوانا در باره مسایل مربوط به افغانستان و بیشترت روند متعاقب ملی در برخی دیگر از مناطق متشنج جهان، مهم ترین نمونه های روند گام های تشنج یک ساله اخیر بوده است. این روند تحت تاثیر الزامات جهان معاصر در برپوش گسترش واقع بینی در سیاست آنجا دشواری برپا به نواندیشی سیاسی و ناتوانی آمریکا لیست ها در برهم زدن توازن قوا در مناطق متشنج و در مجموع جهان سه سود خود و فتنای بر نیروهای صلح دوست جهان میسر گردیده است. روند گام های تشنج در عین حال بیباک و مومید افزایش نقش و کارایی سازمان ملل متحد در حل و فصل معضلات سیاسی بین المللی در جهان امروز است.

اوضاع سیاسی کشور

صلح با بیدار، خواست همگانی

رغنا!
در فاصله دو بیست و یکم و درگیری های درون هیأت حاکمه، و خامست اوضاع اقتصاد کشور، ناراضا بیتی و اعتراض مردم، سرکوب و احتیاق، سرمنشاء مهم ترین رویدادهای کشور و جامعه بودند. در این میان، تحولات جنگ به لحاظ اینکه بر همه عرصه های حیات کشور تاثیر می گذارد، شایسته توجه و بررسی ویژه است.

در این فاصله مهم ترین تحوالتی که در کشور روی داده است، پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و آشتی ملی، آزادی جمهوری اسلامی بود که دارای اهمیت فوق العاده است. پس از زهنت سال ادامه فاجعه جنگ و فتنان شدن زندگی بیش از یک میلیون انسان بی گناه دوشکور، پس از برپا رفتن صدها میلیاردها دلار در ثروت ملی دوشکور و بران شدن چند هزار روستا و شهر، پس از قربانی شدن هزاران زن و کودک با بیب های شیمیایی و موک باران جنا پیکارا نه شهرها توسط دورژیم، سرانجام در ۲۷ تیر ماه ۶۷ خمینی جنا پیکار به دلیل بن بست رسیدن ما شن جنگی شان وزیر فرما مردم ایران و نیروهای صلح دوست جهان را نوزاد قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفت.

پذیرش قطعنامه ۵۹۸ با یک سال تاخیر صورت گرفت. تاخیر یک ساله سه نوبه خود معانی را به مردم دوشکور تحمیل کرده که تا نقل سلیم و دروای اجناس مسئولیت در برابر سرنوشت مردم و کشور، جلوگیری از آنجا کلا امکان پذیر

بود. در این فاصله، آتش جنگ در همه جبهه ها همچنان شعله ور بود. در آستانه سال نو، دورنظر آننگیز جنگ شهرها، به گشتار روزانه صدها نفر و پیرانی صدها تن مسکونی و مسوفا آنجا میسر. در این فاصله، بسیماران و ختیانه طلیحه با سلاح شیمیایی توسط صدام، به مرگ جانگذا از پنج هزار زن، مرد و کودک آنجا میسر و هزاران نفر درگیر زخمی کرد. اما بدان وحشیگری های خمینی و صدام فقط با جنایات ناز و سفاکیا نیست با قابل قیاس است.

انرا متعاقباً خمینی از پذیرش قطعنامه، دهها هزار تن انسان دیگر در قوا و شلحه و در سایر جبهه های جنوب و غرب کشور قربانی جنون جنگ طلایی خمینی و مقابله به مثل و ختیانه صدام شدند. اکنون سران رژیم با پدپا سخ دهنده گرام این جنگ بلیدر ادامه دادند و حراجیک سال از پذیرفتن قطعنامه ۵۹۸ امتناع کردند. چرا خون صدها هزار تن دیگر را سرخا کرد ریختند؟

با طبعیت می توان گفت که اگر جمهوری اسلامی در وضعی قرار نگرفته بود که آینده آن در اثر ادامه جنگ در اینها م امکانات لازم برای ادامه جنگ را در اختیار داشت، سران رژیم این جنگ تپیکارا نرا ادامه می دادند. اعترافات خمینی در توجیه پذیرش قطعنامه نیز این حقیقت را اثبات نمود. این اظهارات اثبات کرده که خمینی در تپیکاری و جنایت تا آنجا پیش رفت است که پذیرش خواست ۵۰ میلیون هموطن ما و صدها میلیون مردم صلح دوست جهان را نوسویدن زهر بر امری گیرد. ادامه ده جنگ بزرگ ترین جنایت خمینی و هم دستا تن علیه مردم ایران بوده است. آنجا با پدپه خا طرا رنگا با جنایات جنگی و تپیکاری های بی شمار دیگر به محاکمه کشیده شود و محاکماتات کردند.

پذیرش قطعنامه از سوی سران رژیم از سوی اجبار صورت گرفته نه برپا به اعتقاد آنها به صلح، زیرا ما هیات فیل آنرا و اوضاع جنگ به طور اساسی در جهت زبان رژیم تغییر کرده بود، استراتژی رژیم در اشغال قدمه قدم خاک عراق شکست خورده بود، رژیم امکان مقابله با تعرض عراق را از دست داده بود. و محبوره که بسیاری از مناطقی را که با دادن هزار قربانی اشغال کرده بود، رها کند. این وضعیت توان و روحیه رژیم نیروهای صلح را بطور چشم گیری کاهش داد و در عین حال اعتراض علیه جنگ را تشدید کرد. تا راضا بیوا اعتراض علیه سیاست ادامه جنگ بویژه طی ما هیات اخبر در نیروهای صلح رپوبلیک

فرونی گذاشت و در بسیاری موارد بصورت تهر دو امتناع از اجرای فرامیسن نظامی، ترک جبهه ها، دو را نکنند سلاحها، عقب نشینی و برپه زار درگیری ظاهر گردید. این امر رژیم را در وضعیت دشواری قرار داد اما امکان واکنش متقابل را از رژیم سلب کرد. همچنین اعتراضات مردم علیه جنگ بویژه در دوره موک باران شهرها توسط رژیم صدام اما بدیبا سابقه یافت و آشکارتر از همه سران رژیم را تا مچ قرارداد، در هیت حاکمه با زتاب با فست. علاوه بر آن وضعیت فلاکت بار اقتصاد کشور طبیعتا نمی توانست پشتوانه لازم برای ادامه جنگ باشد. روند ادامه جنگ با بلع شدن اقتصاد کشور همراه با اوضاع به گویای آنجا بود که در هیت حاکمه هر اس آزادانه جنگ بیدار مدهور و زخمسار بستری از مسئولان رژیم خود را تا جاری دیدند که به خواست صلح طلایی مردم کردن نیند. تحت تا شروع عمل فوق تشدیدت ر بین المللی، خمینی به قطع جنگ نداد. چرا که راه دیگری در برابر خود نمی دید. ادامه جنگ نیروی عظیم تری را علیه رژیم سبج می کرد.

روند جنگ به ناز چار به دست کشیدن از جنگ از سوی هیات حاکمه می انجامید. ما با رها ناکید کردیم که هر چند سران رژیم بر ادامه جنگ امر را روز نند و آن را طوائلی تشکند، اما کانات برای ادامه جنگ محدود و محدود می شود. رویدادهای صحت این ارزیابی را اثبات کرد. سه خمینی و نه هیچ کدام از سران رژیم قادر نبودند این روند را متوقف کنند. برای این سبب بیستی می شد که رژیم تسلیم مردم شود و عملا از ادامه جنگ بازماند. تصمیم ناگهانی خمینی به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ قبل از هر چیزی به سیرا و اوضاع در جبهه ها و با واضع آمنت رژیم و هر اس از آینده رژیم مربوط می شود.

تسلیم خمینی یک پیروزی بزرگ برای نیروهای صلح دوست ایران و جهان است. در اثر مبارزه مردم ما و حنایت نیروها و معامع بین المللی صلح دوست ایران، چشم انداز صلح در برابر سبب بلا کشیده ما و کشور همسایه عراق گشوده می شود. اهرای تیره مرگ از آرزوی ما منطقه کناری می رود. تا بدانی مردم از تسلیم خمینی و همداستان جنگ افروزان و با انتقادات مواخذه گرا شده آن علیه سران رژیم همراه شده است. اعترافات خمینی در هنگام توجیه تاخیر رسک ساله در پذیرش آشتی ملی، نه تنها کمترین اعتبار و احترامی در مردم پرتیانیگفته بلکه بر عکس، ختم و شامت بوده ها علیه این جنا پیکارا من زده است. طابعت آنجا امروز می رود که حتی در میان پیروان حزب الهی نیز زیر سؤال و رود. مردم ایران رژیم سؤال می کنند چرا صدها هزار نفر قربانی کرده و ایران را به ویرانه تبدیل کرده اند، خمینی و جنگ افروزان در معرض بسا ز خواست توده ای قرار می گیرند.

پذیرش قطعنامه آزادی جمهوری اسلامی، روحیه مبارزاتی مردم را بسالا برده است. شکست رژیم، در دست یابی به اهدافش در جنگ، تو خالی در آمدن شعارهای " جنگ، جنگ تا پیروزی" فتح کربلا و قدس" و غیره، دشمنان توده های میلیونی را به ما جنگ نیرنگ با خمینی و ناتوانی رژیم در برابر سبب سبب نیازهای مردم، باز کرده است. سران رژیم سال ها تلاش کرده بودند که در تصور مردم ایران اندیشه را که کسی را برای مقاومت در برابر خواست های آستان نیست و هر چه را که بخواهند، بدستی می آورند، حاکم کنند. در فاصله کوتاهی این تلاش های چند ساله یونانی از کار برد آمد و مردم با چشمان، با زویا تجربه مستقیم خود دیدند که چگونه سران رژیم که همیشه تلاش می کردند خود را قدر قدرت نشان دهند، آشفته، سردرگم و درمانده شده اند و از آینده رژیم منط خوبه هر اس افتاده اند. توجه کنید به این تحول در روانشناسی مردم برای ارتقای آگاهی و سازمان دادن مبارزه آنان در ای اهمیت بسیار زیاد دوجی است.

رغنا!

با تلاش همگانی در راه صلح، چشم انداز صلح در برابر میهن ما گشوده می شود. اما تا دستیابی به صلح با بیدار هنوز راه درازی با بدهی شود. مواضع استقرار صلح با بیدار هنوز وجود دارد. چرا یکی از مدام که با هدف کسب امتیاز بیشتر در مذاکرات و نیز تحکیم موقعیت خود در میان عرب صورت می گیرد، استقرار صلح با بیدار بین دوشکور را به خطری اندازد. علاوه بر اخلاقی صدام، در هیت حاکمه ایران نیز هنوز نیروهای وجود دارند که هنوز خواهان ادامه جنگ هستند و پذیرش قطعنامه را فریضی برای نفس تازه کردن می دانند. از این رو با بدهی معانن بر ضرورت تأمین همکاری همه سازمانها و شخصیت های صلح خواه کشور در راه دستیابی به صلح با بیدار بین دوشکور و کارهای در منطقه ناکید نمود در راه آن تلاش کرد.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در راه تحقق هر چه سریع تر صلح با بیدار، امتناع در قرارداد صلح بین دوشکور، هرگونه تعلل و اخلاص در اجرای قطعنامه ۵۹۸ از سوی هر کشوری را قاطعانه محکوم کرده است و از هموطنان می طلبد که در راه درهم شکستن تلاش های محافل جنگ افروز در هیت حاکمه، مبارزه را شدت بخشند.

ما تلاش های دبیرکل سازمان ملل متحد و شورای امنیت در برابر قرار

موقعیت منطقی و ربه تضعیف گذاشت و رفسنجانی نقش مهمتری در اداره کشور یافت.

تحول با اهمیت دیگر این دوره، انتخابات مجلس سوم و نتایج ناشی از آن بود. تدارک برگزاری انتخابات با افزایش آوازه‌های و تصفیه‌های پدید آمده همراه گردید. جریان طرفدار دولت با بهره‌گیری از پیش و ویژه وزارت کشور در برگزاری انتخابات و استفاده از فتوای‌های خمینی در حمایت از دولت و مجلس، راه پیروزی بر سالت را هموار کرد. در جریان تدارک انتخابات وزارت کشور با تصفیه وسیع فرما تداران و استناد از آن و با جلوگیری از اعمال نظارت شورا و نگهبان بر انتخابات، زمین‌ها بجا دمجلس یک دست و هماهنگ با دولت و رفسنجانی را از قبیل میا کرد. در نتیجه جناح رفسنجانی و دولت حمایت قاطع خمینی نقشه رسالت برای قیامه مجلس و قیامه کامل دولت را بهم ریخت و موقعیت برتر خود را در هیات حاکمه تثبیت نمود.

ممنوعیت فعالیت انتخاباتی احزاب و مماثلت آن‌ها جمعاً از تبلیغات انتخاباتی، تدارک تضعیف شورای نگهبان توسط فتاوی خمینی و تصفیه‌های وزارت کشور، به شکست جریان رسالت انجامید. هر چند موقعیت جناح رسالت در هیات حاکمه بدستال این تحولات ضعیف‌تر از گذشته شده است، اما این جریان همچنان جناح اصلی قویب در درون حکومت بوده و از بنیه اقتصادی و مالی سیاسی نیرومند و موقعیت اجتماعی و سیاسی قابل توجهی برخوردار است.

تحول با اهمیت دیگری که در جریان انتخابات اتفاق افتاد، اشعاب در "روحانیت مبارز تهران" و شکل گیری جریان جدیدی در هیات حاکمه است. "بیت امام" از اشعاب در "روحانیت مبارز تهران" و "بیت امام" یا "مجلس" است. این جریان، با هدف تضعیف رسالت حمایت کرد. این جریان که با چهره‌های چون محتشمی، خوشینی و هابریخی از متوسلین "بیت امام" مشخص می‌شود، می‌کوشد با کمک شراهایی در دفاع از "مستضعفان و محرومان" و با تبلیغات فداکاری بی خودچهره آزادی کشنده کمونیستی و بیان اسلامستی‌شان را بنهسان سازد. شکل گیری این جریان در هیات حاکمه، فتاوی‌های درون رژیم را به بیخ‌تر از گذشته می‌کند. اکنون هیات دولت جمهوری اسلامی به دلیل بروز حادثه در هیات حاکمه و درگیری جناح‌های حکومتی در آن از کار مانده است.

تشکیل "مجمع تشخیص مصلحت" به دستور خمینی، تحول دیگری در مبارزه در جناح بود. از سالی قبل اختلاف منافع در جناح‌های در تصویب قوانین مربوط به اصلاحات اقتصادی - اجتماعی بروز می‌داد. دو مومبات مجلس شورای نگهبان در این عرصه‌ها تقبیض یکدیگر بود. دولت برای اداره‌ها معسرمانده‌ای ایران نیازمند خروج از بن بست قانون گذاری بود. دولت در این حال از تصویب بیشتر از حد این گونه اصلاحات و تا نیران در گسترش نارضا پختی مردم و طغیان آنها احساس خطری کرد. بنابراین رضای پختی مردم، فقدان قوانین ضروری برای دولت به بن بست منازعات مجلس شورای نگهبان، مشکل را به جای رسانده بود که راه حل می طلبید. صدور فتاوی خمینی در حمایت از دولت و مجلس در برابر شورای نگهبان و رسالت و تشکیل "مجمع تشخیص مصلحت" به دستور او، پاسخی به معطل فوق بود.

با تشکیل "مجمع" در بهمن ماه ۶۶، قدرت و توی شورای نگهبان در مورد قوانین موهبه مجلس تضعیف شد و مرجعیت در قانون گذاری رسماً به "مجمع" تشخیص مصلحت" تفویض شد. با این تحول، مواضع رسالت در هیات حاکمه آسیب تازه‌ای دید.

فتاوی ۱۷ بهمن خمینی در تشکیل این مجمع، عملاً تجدید نظر در اختیار شورای نگهبان در قانون اساسی جمهوری اسلامی است. این تجدید نظر یکی از خواسته‌های رفسنجانی برای تجدید حقوقی شورای نگهبان بود. برای درک اهمیت این واقعه، باید یادآوری کرد که در قانون اساسی جمهوری اسلامی شورای نگهبان مرجع عالی تشخیص رعایت شرع در قوانین کشور و پاسدا رظارت دین بر این قوانین است.

هم تشکیل این ارگان و هم صدور فتاوی خمینی در حمایت از دولت و مجلس، موبدان است که برای خمینی آنچه مصلحت نظام و برای حفظ جمهوری اسلامی ضروری است، شرعی قلمداد می‌شود. این امر میدان عمل قضاستی و فتاویست است. متحرک بودی مستثنی بر احکام فقه در کشور داری را تنگ می‌کند و تطبیق بر مقتضیات جامعه معسرمانده‌ای ایران و نیاز داره آموزشی کشور را هموارتر می‌کند.

خمینی فتاوی فوق را با تکیه بر اینکه حکومت اسلامی، حکومت مطلقه و از راه احکام الهی است و بر جمیع احکام فرعی الهی تقدم دارد، بنا بر نمود خمینی تلاشی می‌کند تا مشکلات را از سر راه رژیم بردارد و بدین‌گونه استبداد مذهبیه تضعیف شود یا کنار گذاشته شود. به همین دلیل او بر استبداد مذهبی حکومت مطلقه فقیه، تاکید کرد و آن را با حکومت مطلقه الهی هم‌طورا کرد. این تلاش‌های خمینی گره برای تخفیف تفا درونی‌ای عقب مانده با الزامات سرمایه داری است، اما فاقد مرحله این تضاد نیست.

خمینی با تکیه بر نقش ویژه و تأویریت خود در میان پیروانش در موقعیتی بود که بتواند رگروری های "بالا" را با رکنند و نیازا موقعیت تخفیف دهد. در این زمینه هیچ کدام از سران رژیم با اوقابل قیاس نیستند. امروز نیز خمینی در اتخاذ سیاست‌های رژیم و کنترل دیگرمی های درون حکومتی نقش کلیدی دارد. نقش ویژه‌ای که او در روند جنگ ایفا کرد، یک بار دیگر اثبات نمود علی‌رغم آنکه جمهوری اسلامی قائم به او نیست، اما او هنوز حرف آخر را می‌زند، او هنوز بیشتر از هر چهل حکومتی همه‌پیران ولایت فقیه را متحد می‌کند. در نتیجه اکنون که او در راه گور پیش می‌رود، این امکان که اقتدار ولی فقیه بعد از خمینی تضعیف شود، واقعی و دارای زمینه عینی است.

رژیم ولایت فقیه نه تنها با خلق در تضاد است، بلکه با الزامات سرمایه داری نیز در تضاد و در تضاد قرار دارد. رومانی سیاسی، پدشولولویک، فرهنگسی، حقوقی حاکم کنونی، رومانی قرون وسطایی و عقب مانده است. تسلط دین و استبداد فردی و مذهبی در اداره دولت، کشور را معسرمانده، مانا بر ملامت بدین سرمایه داری است. عدم تطبیق رومانی کشور بر نظم سرمایه داری معاصر یکی از ریشه‌های تناقضات و تضادهای دامنه دار در هیات حاکمه کنونی است. مجموعه عوامل فوق، یعنی تضاد رژیم با خلق و نیز تضاد آن با سرمایه داری، سرمایه داری از یک سو و تضادهای درون رژیم از سوی دیگر و عملکرد متقابل این دو دسته تضاد بر یکدیگر به ویژه در غیاب نقش‌ها رکنند خمینی باعث خواهد شد که در چشم‌انداز نزدیک، بحران رژیم گسترش یابد.

درباره رژیم‌های احتمالی

رژیم در صورت فتاوی خمینی تا امروز رژیم نتوانسته است در راه انجام اصلاحات اقتصادی و اجتماعی قدمی بردارد. علت این امر قبیل از هر چیز سرمایه داری به جنگ مربوط بوده است. تا مادامی که بسیج جنگی کشور به بیان نرسد، رژیم نتواند تا نسبت به اقدامی که در اقتصاد دینارنی کشور گشایش پیدا آورد، مبادرت کند. همانا شدن جنگ و لیبسیج جنگی که همه کشور را به خدمت خود در آورده، همچنان مهم‌ترین اقدام اقتصادی رژیم و شرط مقدم فر فرم موثر است.

صلح یا بیدار فاطمانه حمایت می‌کنیم، و ادامه بیکپیرانه این تلاش‌ها را تا حصول صلح و حل و فصل اختلافات دو کشور از راه‌های سیاسی قوی طلب می‌کنیم.

نیروهای نظامی خارجی با بیدار خلیج فارس بیرون بروند.

رفقا!

امپریالیسم آمریکا که همواره در صدبیره تیری وسیع تر از ادا مه تشنج در خلیج بوده و هشت سال گذشته به بهانه "استخدام" سیوخ خلیج برای "حامن کشتیرانی"، به لشکر کشی آشکار در خلیج فارس دست زد. آمریکا علی‌رغم آنکه قطبنا مه ۵۹۸ را رسماً پذیرفته بود، ولی در عمل نیروهای تاجا و زکار خود را در منطقه خلیج به شدت افزایش داد و خلیج فارس را با نیروهای آمریکا بسی و متحدین نا توی آمریکا قرق کرد.

طی یک سال گذشته، نیروهای متجاوز آمریکا بی چندین بار علیه نیروهای ایرانی وارد جنگ شده‌اند. رازنا آمریکا بی چندین بار به تاسیسات نفتی کشور ما و نیرو دریایی ایران حمله کرده و خسارت جانی و مالی زیادی به بار آورده‌اند. در اثر اقدام جنایتکارانه این نیروها، فاجعه سقوط هواپیما مسافری ایران رخ داد و طی آن همه مسافران هواپیما، یعنی ۲۹۰ انسان بی گناه قربانی اهداف تاجا و زکارانه دولت ریگان شدند. تاجا و زکارانه در خلیج فارس ادا مه دارد، چنین فاجعه‌ای با زهم ممکن است رخ دهد.

دولت ریگان که از ادا مه جنگ در جهت تحقق استراتژی "با زگرداندن" و نیز تقویت موقعیت و نفوذ امپریالیسم و ارتجاع در منطقه، جدا کنبره بر داری را کرده بود و در این راستا به همه گونه اقدامات تاجا و زکارانه دست زده بود، از جندی پیش که ادا مه جنگ بدون دورنما، توجیه‌نا پذیر و با مخالفت گسترده جهانی روبرو شده بود، کوشید جنگ را در جهت تحقق منافع و پیشرفت نقشه‌های امپریالیسم آمریکا در منطقه، مها رو قطع کند. سوار راه پیشرفت استراتژی "با زگرداندن ایران" پس از جنگ را نیز هموار سازد. در این راستا دولت ریگان با اعمال فتاوی‌های علیه رژیم در خلیج فارس در عین عوت رژیم به مذاکره و معامله با آمریکا، جمهوری اسلامی را بسوی نزدیکی بیشتر با غرب سوق داد و در این جهت ناوگان آمریکا بی در خلیج فارس علیه نیروها و تجهیزات ایران وارد جنگ نمود. تلاش‌های دولت ریگان در اثر خیا نتکاری سران رژیم و به ویژه شخص خمینی با موفقیت همراه شد. اکنون سران رژیم در پاسخ به مطالبات امپریالیستی و برای حفظ رژیم منط خود، روابط رژیم و غرب را با شتاب ترمیم می‌کنند.

خوردنیروهای امپریالیستی در خلیج، امنیت منطقه را به خطری ندادند و عامل تهدید ادا مه کشورهای خلیج و از جمله کشور ما است. حضور این نیروها به معنای نقض آشکار ادا مه ۵۹۸ قطبنا مه ۵۹۸ شورا می‌نمیت است. اکنون که رژیم نطقبنا مه ۵۹۸ را نقض می‌کند و در جهت پیشبرد اهداف استعماری و برای ادا مه حضور نیروها و تاجا و زکارانه در خلیج فارس با فتی نما ده‌است، ما باید نیروهای خارجی در اسرع وقت خلیج فارس را ترک کنند و امنیت دفاع از آزادی کشتیرانی را به کشورهای خلیج واگذار کنند. باید همه کشورهای و محام بین المللی نقض شون قطبنا مه ۵۹۸ از سوی دولت ریگان را محکوم کنند و آن دولت را مجبور کنند که به نوبه خود به اجرای قطعنامه ۵۹۸ گردن نهاده و نیروهای متجاوز خود را به فوریت از خلیج فارس خارج سازد.

کشا کش درون هیات حاکمه

رفقا!

صف آرای درونی هیات حاکمه در فاصله دو بلنوم، سیمای با رهم آشکارتر به خود گرفت و اختلافات دسته‌ها و باندها و جناح‌های هیات حاکمه حادث را زهر زمان بروز نمود.

در این فاصله، مهم‌ترین تحول در میان زرات جناح‌ها در درون حکومت و دیگر گونی درون هیات حاکمه، تحولات مربوط به جانشینی خمینی است. روند انتقال قدرت که از ماه قبل آغاز شده بود، با انتصاب رفسنجانی به کفالت فرما دهی کل قوا از سوی خمینی به اوج خود رسید. انتصاب رفسنجانی در عمل راه قطع جنگ را گشود و این امر به نوبه خود موقعیت رفسنجانی را در مقابل منتظری که از ادا مه جنگ و از رگروری با آمریکا پشتیبانی می‌کرد، با زهم تقویت کرد. پس از برقراری آتش بس و نتایج ناشی از انتخابات فرما دهی مجلس سوم، می‌توان گفت که در شرایط فعلی جانشین واقعی خمینی رفسنجانی است. هر چند که منتظری هنوز از نظرسنجی و فتاوی‌های جانشین خمینی محسوب می‌شود، در اینک منتظری موقعیت سابق خود را از دست داد، خمینی و رفسنجانی بیشترین نقش را ایفا کردند. اکنون موقعیت رفسنجانی در رابطه با جناح‌ها و دسته‌بندی‌های حکومت و نظراً نسبت به سوی، امکان‌نا توی بیده‌می‌وردگسه او بر پایه بهره‌گیری از آنها بتواند در صورت رهبر حکومت پس از خمینی و نه رهبر یک جناح درون حکومت برآمد کند.

تحکیم موقعیت رفسنجانی به معنای به فراد و الحکومت بس از خمینی در مختصات فعلی رژیم، به معنای پایان منازعات درون حکومتی پیرامون جانشینی نیست. این منازعه همواره یکی از موضوعات جدی مبارزه درون هیات حاکمه بوده است. چندان پیش مبارزه بر سر جانشینی به طور عمده بین رسالت و "خط امام" جریان یافت. آن زمان رسالت از یک شورای متشکل از فقهیها و "خط امام" از منتظری حمایت می‌کردند. آن مبارزه با انتصاب منتظری فروکش کرد. زمینه دوره‌بندی مبارزه بر سر جانشینی، زمانی بیده‌می‌وردگسه رفسنجانی با صلاح دید خمینی و رهبری زدوبندی‌های با ریگان را به دست گرفت. ولی این زدوبندیها توسط اطرافیان منتظری انشا گردید. این دو ر مبارزه جانشینی تا مدتها به صورت مبارزه بینان و آشکار قدرت بین منتظری و رفسنجانی ادا مه خواهد یافت.

روندا انتقال قدرت در هیات حاکمه و با نظارت خود و صورت می‌گیرد. خمینی برای حفظ جمهوری اسلامی پس از مرگش، در این اواخر همه قدرتش را به کسار انداخت تا همه پیروان رفسنجانی و رفسنجانی متعهدا زد. در پی این تصمیم خمینی، هراس از آینده رژیم و نگرانی از رگروری شدید دسته‌های درون حکومت پس از مرگ او، نهفته است.

علاوه بر مبارزه برای جانشینی، بارزترین جلوه‌های اختلافات درون حکومت در فاصله مور دگزارش، ادا مه مهدی‌ها شمی، صدور فتاوی خمینی در حمایت از دولت و مجلس در برابر شورای نگهبان و جریان رسالت، تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام، انتخابات مجلس سوم و حوادث بعدی آن، شکل گیری یک جریان در هیات حاکمه بود.

انحلال حزب جمهوری اسلامی در خرداد ادا مه ۶۶، ضربه‌ای بود علیه رسالت و به سود جریان مخالف آن، انحلال حزب پس از سرکوب جریان مهدی‌ها شمی که از سالها پیش از جانب رسالتی‌ها مانده شده بود، صورت گرفت. پس از انحلال حزب، در تکمیل سرکوب جریان مهدی‌ها شمی رهبران ادا مه گردید. این هردو رویداد، موقعیت جریان رفسنجانی را علیه رسالت و نیروهای آن جناح مخالف رسالت که در راه زدوبند رژیم آمریکا مواضع پبیدی می‌آوردند، تقویت کرد.



در حالی که جنگ قطع شده است، ایران رژیم به فرم های معینی دست می زند؟ صرف نظر از نیت سران رژیم، عوامل عینی و نیرومند، انجام فرم های معینی را به ضرورت عینی تبدیل کرده اند. قبل از همه اکثریت مردم املاجات را ردیکال، برده نمودند مگر ایتکی را طلب می کنند. مردم خواه فرم های را دیگال درجهت تامین منافعشان بوده هستند. این مطالبات سالهاست که از جانب رژیم به پنهان های مختلف به خطر انداخته شده است. باید یاد داشت رژیم در برابر خواسته های همه جانبه مردم، به زور و سرکوب متوسل شده است. اکنون که جنگ به پایان خود نزدیک می شود، و "توجه" جنگ نیز از میان می رود، مطالبات زسوی مردم جدی تر از گذشته طرح می شود و مبارزه در راه آن شدیدتر خواهد شد. وضع زندگی مردم هیچ وقت به این شدت وخیم نبوده است. ادامه این وضع نمی تواند برای سران رژیم نگرانی آوروهرای فرین نباشد. امروز رژیم آسیب پذیر شده، لذا نارضایتی شده ای برای سران رژیم پیش از گذشته اهمیت یافته است. نارضایتی همگانی یک عامل عینی است و نمی تواند در تصمیم گیری های سران رژیم انعکاس نیابد. علاوه بر آن حاکمیت فقها، عامل ایجاد اختلال در رشد سرمایه داری است. روبرو با ساختار سیاسی حاکمیت فقها الزامات رشد سرمایه داری است. روبرو با قرون وسطایی حاکم مطالبات جامعه سرمایه داری ایران می کشد و مطلوب نمی دهد و لذا این دو انجام برخی فرم ها را الزامی می کند. همچنین بر این واقعیت عینی که ما لها جنگ، فحان، دین سالاری و توسعه طلبی در جهت "مدرن انقلاب اسلامی" جمهوری اسلامی، را آسیب پذیر ساخته و آئینده رژیم را مورد سوال قرار داده، نیز باید تا کنون در نظر نگهانی و شتاب آلودختی به قطع جنگ، در حالی که اعتقادی به صلح نداشت، قبل از همه به دلیل احساس خطر از آئینده رژیم بود. برای خمینی، حفظ این رژیم به دلیل زهرچیز دیگر مهم تر است.

اگر سران رژیم به املاجات اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی معینی دست بزنند، آنرا با هدف تعدیل بحران اقتصادی و اجتماعی و سود و تضمین حفظ آئینده جمهوری اسلامی انجام می دهند. چنین املاجاتی طبیعتاً مردم را را دیگال نبوده، ماهیتاً بورژوازی هستند. فرم های که مستوران سران رژیم بوده و انگیزه آن نیز حفظ رژیم باشد، ممکن است شناختی روبرو با حاکم با سرمایه داری را تعدیل کند، اما به هیچ وجه قادر نخواهد بود که متفادخلی رژیم را حل کند. علاوه بر آن این گونه فرم ها، استدادهایی را در زیر زایل نمی کند. رژیم جمهوری اسلامی، رژیمی ضد خلقی و استبدادی است. تا زمانی که این رژیم حاکم است، مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم، مبارزه برای گرد آوردن همه نیروها و شخصیت های مترقی و آزادی خواه و صلح دوست که خواهی سرنگونی رژیم هستند، در یک جبهه گسترده باید ادامه یابد. بهره گیری از فرم های احتمالی برای بسیج مردم در مبارزه علیه رژیم نه تنها نافی مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی نیست، بلکه لازمه آن است. سازمان باید از اصلاح و تحول مثبت در اوضاع کشور برای بسیج مردم و تقویت حضور و مواضع خود در میان آنان بهره گیری. طرح خواسته ها و شعارهای ملموس و توده ای، بسیج مردم حول این شعارها، متشکل کردن مبارزه آنها برای ادا شدن رژیم به انجام این گونه خواسته ها برای ارتقای آماج مبارزه توده ها و ماده کردن آنان برای سرنگونی رژیم، بیرون ترسیده است. از این روستاها و شعارهای آزادی خواهی دمکراتیک مردم و تامین حقوق بشر، تامین امنیت، لغو تقیص عتاید و تامین آزادی عقیده و وجدان، تا تامین حق کار، تا تامین آسایش و رفاه زحمتکاران و غیره. بیش از پیش تا کید شود و برای تبدیل این شعار و خواسته ها به آماج مبارزه توده ای تلاش و کوشش مضاعفی صورت گیرد. در راه دستیابی به این آماج ها، سازمان آماده همکاری و اتحاد عمل با همه سازمان ها، احزاب و نیروها و شخصیت های مترقی کشور است.

فلاکت اقتصادی رژیم

رفقا! اقتصاد همین ما در ستانه و رنگستگی کامل قرار گرفته است. شمشاری از واحدهای صنعتی کشور تعطیل شده اند و با حداقل ظرفیت تولیدی خود کار می کنند. صنایع کشور به شدت مستهلک شده اند. کاهش درآمد ارزی از نخست اقتصاد کشور و بویژه صنایع را با دشواری بیشتر روبرو کرده است. بخش مهمی از صنایع کشور به صنایع نظامی تبدیل شده و با محصولات آنها در خدمت جبهه های جنگ قرار گرفته است. ۲۵ درصد روستاها از ساکنین آن تخلیه شده است. مهاجرت توده ای روستا به شهرها ادامه دارد. در طول ۸ سال جنگ، سرمایه بیش از نیمی از بودجه کشور صرف هزینه های جنگ و ارتکان های سرکوب رژیم شده است. در شرایط کاهش قیمت نفت و کاهش درآمد ارزی، تا بین چنین هزینه سنگینی، از طریق افزایش سرمایه آور مالیات بردار و زحمتکاران و مزد و حقوق بگیران و جاب آسکانی بدون پشتوانه تا بین شده است. قیمت ها مداوماً افزایش یافته و به اعتراف مقامات رژیم، تورم به بیش از ۳۵ درصد رسیده و زندگی زحمتکاران طاقت فرسا شده است. تسدیدگانی تورم، بیگاری چند میلیونی، برانده شدن هر چه بیشتر نیروی کار از عرصه تولید به فعالیت های انگلی و نازل خدماتی، صنایع مستهلک و قضاوت زکا و افتادگی، گشاورزی تخریب شده، بی برنامگی، کسری شدید بودجه، تمرکز سرمایه های نجومی در دست تجار بزرگ با زور و قورقاه توده مردم، آوارگی میلیون ها هموطن ما در حاشیه شهرها و... تصویری از فلاکت اقتصادی کشور و ورشکستگی آن است. مسئولیت این فاجعه ملی بر عهده خمینی و هم دستان او است.

بحران و فلاکت اقتصادی که عامل مهمی در ناکامی رژیم از پذیرش آتش بس بود، در حدی است که سران رژیم ناچار از جاره حویی هستند. اکنون که جنگ قطع شده، با بازسازی اقتصاد کشور در برابر سران رژیم قرار گرفته است. بازسازی اقتصاد کشور امر ناگزیری است. مساله با اهمیت این است که ساز سازی با کدام سمت گیری و به سود کدام نیروهای اجتماعی باید صورت گیرد.

بازسازی اقتصاد جنگ زده و ترمیم مناطق تخریب شده کشور

لازمه بازسازی اقتصاد جنگ زده و ترمیم مناطق تخریب شده، علاوه بر قطع جنگ، پایان دادن به حالت جنگی در کشور است. هر چند اینک میان ایران و عراق آتش بس برقرار شده است، اما در کشور هم چنان وضعیت جنگی حکمفرماست هنوز چرخ اقتصاد جمهوری اسلامی بر محور "سیاست نوین اقتصاد" که همان سیاست اقتصاد جنگی است می گردد. بدون کنار گذاشتن سیاست اقتصاد جنگی و در پی گرفتن یک سیاست اقتصادی غیر جنگی و متعارف، اقتصاد جنگ زده را نمی توان با بازسازی کرد.

در این راستا، صرف هزینه های گمرشکن نظامی، که بیش از ۵۰ درصد بودجه کشور را شامل می شود، از مواضع عمده بازسازی است. ما دام که بسیج نیروی انسانی برای مقابله با مداخله نظامی قطع نشود و مدتها از رجوانی که می طرح جنگ بسج شده و از زندگی و کار سازنده اجتماع با زمانه اند، به عرصه های فعالیت اقتصادی، اجتماع آموزشی با نگرند، اما مکانات اقتصادی دیگر، از مواد اولیه و کالاهای گمرشکن تا تکنولوژی و بویژه نیروی متخصص و کادستان از مدار سیاست و اقتصاد جنگی خارج نشود و در جهت بازسازی و ترمیم اقتصاد جنگ زده سوق نیابد، سخن گفتن از بازسازی اقتصاد کشور، دروغ و فریبی بیش نیست.

بازسازی مناطق تخریب شده در عین حال مستلزم بسیج امکانات ملی استفاده از امکانات بین المللی است. اکنون بسیاری از دولت ها و شرکت های امپریالیستی مرشد مدگه با عقد قراردادهای غارتگرانه، با بازسازی روسیه کسب سودهای میلیاردری و فرا تر از آن، کسب امتیازهای سیاسی و تشدید وابستگی اقتصادی ایران قرار دهند. بازسازی وقتی مفهوم واقعی خواهد داشت که در جهت رشد موزون اقتصاد کشور و در راستای تامین استقلال اقتصادی صورت گیرد. بهره گیری از امکانات بین المللی، بدون رعایت حقوق و منافع ملی کشورمان، بی تردید در خدمت انقیاد دهر چه بیشتر اقتصاد کشور به انحصارات و دولتها های امپریالیستی و تشدید شکاف ها و نابرابری های اجتماع می قرار می گیرد. از این روستا باید در برابر عقد قراردادهای غارتگرانه و تشدید کننده وابستگی اقتصادی کشور ایستاد و آن را فاش کرد.

علاوه بر شرکت های امپریالیستی، سرمایه داران بزرگ کشور، کسانان تجران و مقامات بالای حکومتی نیز، به بازسازی بعنوان عرصه تازه ای از غارتگری و ثروت اندوزی می نگرند. گردانندگان رژیم که چیه بسبب های گشادی برای خود خوانده اند، می خواهند سهمی از بار سنگین هزینه بازسازی را از طریق افزایش مالیات ها و انواع اخاذی های دیگر، بردوش مردم بیاندازند. هم چنانکه مخارج گمرشکن جنگ را بر زحمتکاران تحمیل کردند. باید بدین باره های با زار و دست اندر کاران حکومتی که طی ۸ سال جنگ، جیب های گشاد خود را با غارت مردم پر کرده اند، بخشی از هزینه بازسازی را از طریق پرداخت مالیات های کلان تا بین کنند. بازسازی باید در خدمت تامین رفاه مردم و بهبود وضع زندگی آنان باشد.

مساله ایجاد اشتغال، یکی از معضلات حاد جامعه ما است. بازسازی و ترمیم اقتصاد جنگ زده باید در خدمت پاسخگویی به آن قرار گیرد. بیگاری مساله ای است که ده من گریبان ۴ میلیون هموطن ما است. در جریان جنگ بیش از یک میلیون نفر از هم بیست ما آواره شهرهای دیگر شده اند. آنها خواهان بازگشت به شهرها و روستا های خود و تامین مسکن و شغل مناسب هستند. بودجه بازسازی باید صرف بازسازی بویژه عرصه های اشتغال زا ذکر شده، نیابد. اجازه داد که بودجه بازسازی در عرصه های غیر تولیدی و غیر ضروری صرف شود. باید دولت موظف شود بطور همه جانبه به آوارگان جنگی جهت اسکان و اشتغال کمک نماید.

جنبه قابل تا کید دیگر در بازسازی اقتصاد جنگ زده، نوسازی صنایع جنگ زده کشور و مدرنیزه کردن آن است. بسیاری از واحدهای موجود صنعتی مستهلک شده و در سطح حداقل کارایی قرار گرفته اند. شمار کثیری از واحدهای تولیدی نیز برای تولید جنگ افزار و ماشین های جنگی دیگر، خط تولیدشان را طی سال های اخیر تغییر داده اند. صنایع کشور، بویژه بخش های مستهلک شده و آسیب دیده باید نوسازی شوند و خط تولید واحدها در جهت رفع نیازهای مردم و مترقی و آبادانی کشور تغییر کنند. نوسازی نه تنها نباید وابستگی صنایع به مواد خام و کالاهای وارداتی را تشدید کند، بلکه باید در جهت تحجیم صنایع کشور به تکنولوژی پیشرفته و در راستای تامین استقلال اقتصادی انجام گیرد.

باید بر نقش کارشناسان، مهندسان، متخصصین و مدیران اقتصادی مترقی و ملی در بازسازی اقتصاد جنگ زده و آبادانی کشور تا کید ویژه نمود. رژیم آخوندی طی چند سال، هزاران تن از هموطنان متخصص ما را از ادارات و موسسات تصفیه یا زندانی کرده و یا به ترک کشور و آذینه است. بازگشت این میجران به میهن، آزادی از زندان و تامین شغل و امنیت آنها، از ملزومات نوسازی اقتصاد جنگ زده و در جهت استقلال اقتصادی و آبادانی کشور است. با توجه به هزینه های عظیم بازسازی، بخودی خود، در مدت چندین ساله است. عمده ترین منبع درآمد ارزی کشور، سهم با زهم بیشتری در اقتصاد کشور خواهد داشت. چنانچه این درآمد صرف ضروری ترین و اساسی ترین عرصه های بازسازی شود، گام مؤثری در بازسازی اقتصادی برداشته خواهد شد. احیای کشاورزی در مناطق جنگ زده، در گرو بازسازی بیش از ده هزار روستا و ویران شده و حمایت همه جانبه دولت از روستاییان جنگ زده است. بازسازی و کمک به روستا ها باید زیر نظر کمیته های منتخب روستاییان انجام گیرد.

طی هشت سال جنگ و ده سال حکومت جمهوری اسلامی، خسارات مادی و معنوی ای که به مردم و کشور ما وارد شده، آن چنان عظیم است که تنها ترمیم خسارات مادی، مستلزم صرف ده ها میلیارد تومان و تلافی چندین ساله است. چنین کار عظیمی تنها در شرایطی میسر است که مردم با علاقه و دلبستگی در این کار شرکت کنند. این حقیقت بسیار نگران است که مبارزه مردم بسیاری انجام بیگیرانه و موثر و نوبت بازسازی اقتصاد جنگ زده، در راستای استقلال اقتصادی و آبادانی کشور و بهبود زندگی مردم، بیش از هر چیز با مبارزه علیه رژیم آخوندی، برای آزادی و تامین حقوق دمکراتیک مردم پیوند دارد.

آزادی مردم ترین شعار جنبش

رفقا! در فاصله میان دیپلنوم، اختناق و سرکوب، آزادی و پیگیری مردم، شکنجه و اعدام مبارزان در بندند شده اند. در این دوره از یک سو پیگیری آزادی مردم بر می کسبیل آنها کشتی را که جبهه ها و آزادی دیگران را می گرویی زندنیان سیاسی ایجاد می یابد. بافت، در این مدت بسیاری از کادرها، اعضا و هواداران سازمان ما تحت بیگاری و سرکوب شدن و فرار از زندان ها و بازداشت و تحت شکنجه های وحشیانه قرار گرفتند و بسیاری از رفقا را که قبلاً بازداشت شده بودند، آماج انتقام جویی رژیم آخوندی قرار گرفتند. در این مدت سرکوب و اختناق، بویژه علیه سازمان های انقلابی و مبارز کشور شدید شد.

در این دوره شمار بسیاری از رهبران، کادرها و اعضای سازمان ما و تعدادی از رهبران، کادرها و اعضای حزب توده ایران، اتحادیه کمونیست های ایران و نیز تشکلهای آزادی سازمان مجاهدین خلق ایران و سایر سازمان های مترقی کشور با آتش انتقام جویانه فقهای بیگانه ربه شهادت رسیدند. طبقات اطلاعاتی که به دست ما رسیده است که رژیم هم اکنون چند گروه از زندانیان سیاسی از اعضای سازمان ما و سایر سازمان های مبارز کشور را برای اعدام به



رتقا!

در حالی که تحول اوضاع کشور طی یک سال گذشته در سمتی توسعه یافت کسب جمهوری اسلامی را در ضعیف ترین موقعیت تاکنون خود قرار داده است و این به شدت آسیب پذیر گردید، اما متأسفانه پراکنگی در جنبش انقلابی کشور ما منع از بهره برداری آن از موقعیت بی نظیر کنونی شده است. در این شرایط کسب وجود لائبرالیست و برابری بر رژیم به شدت ضروری شده، دورنمای تشکیل آن هنوز روشن نیست.

طی این مدت "جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملی ایران" و "نهضت آزادی" به رهبری بازرگان از یک سو، جبهه ملی و سایر محافل بورژوا لیبرالی در خارج از کشور از سوی دیگر، فعالیت خود را تشدید کردند. جمعیت فوق و "نهضت آزادی" و فاداری خود را به قانون اساسی رژیم اعلام کرده و به شیوه قانونی نیز مبارزه می کنند. این امر منبسطیونند این جریان با برخی جریان های درون حکومت باعث شده است که "علیرغم تعرضات گاه و بیگاه رژیم علیه آنها، در مجموع می توانند" قانونی" قانی بمانند و به طور "علنی" فعالیت خود را ادامه دهند. اپوزیسیون قانونی با استفاده از این موقعیت خود، تلاش کرده می کند که مواضع خود را تقویت کند. این اپوزیسیون با استفاده از ابزاران رژیم و حمایت گسترده محافل لیبرالی در داخل رژیم و خارج از کشور برای سوار شدن بر موج ناراحتی گسترده مردم از رژیم فعالیت خود را گسترش داده است. راست ترین محافل غیر مذهبی اپوزیسیون لیبرالی رژیم در خارج کشور، در پی جلب همکاری محافل میثقی امشروطه خواهان با این اپوزیسیون هستند. محافل معتدل سلطنت طلب نیز گاه از برخی اوضاع به سود خود ما یوس اندوازیسات آمریکا در تحکیم مناسبات با جمهوری اسلامی به ویژه در عیاب حقوقی سیاسی خمینی منبسط می باشند، این همکاری را رد نمی کنند. این محافل از تقویت مواضع اپوزیسیون قانونی استقبال می کنند و به آن امید بسته اند.

تحولات یک سال گذشته کشور، به ویژه تحول اوضاع جنگ، سازمان مجاهدین خلق را در برابر دشواری های بسیار قرار داده است. این دشواری ها قبیل از همه از تنگنه مجاهدین خلق بر حمایت مردم در مبارزه علیه رژیم خمینی ناشی می شود. حلقه مرکزی در این دشواری ها، بن بست در اعتراضات تنگنه ره های سخن ارفع جنگ است. این دشواری با تعرض نا سنجیده مجاهدین به اسلام آباد تشدید شده است. ما قبلا به همه نیروهای مترقی در کشور ایران و عراق هشدار داده بودیم که در مبارزه علیه رژیم کشور خود، از تنگنه بر حمایت رژیم دیگر برهیزند. متأسفانه هشدار مستولانه ما، مورد توجه قرار نگرفت و خطرات ناشی از این گونه اتحادها با رژیم های مرتجع دست کم گرفته شد.

طی یک سال گذشته، نیروهای ملی در کردستان ایران در شرایط دشواری قرار گرفتند. حزب دمکرات کردستان ایران منسحب شد. انشقاق در حزب دمکرات مورد بهره برداری رژیم قرار گرفته و هماهنگی رژیم نیروهای جنبش ملی را گناهان داده است. درگیری این دو نیرو در تنگنه با عقل سلیم و منطق بیگانه است، بلکه با اوضاع کردستان پس از جنگ نیز در تضاد قرار دارد. چرا که رژیم پس از زاری های از جنگ با عراق، نیروهایش را روانه سرکوب جنبش ملی در کردستان خواهد کرد. همچنان که رژیم مدام پس از برقراری آتش بس جنگ علیه نیروهای کرد عراق را تشدید کرده و آنها را در معرض شدیدترین سرکوب ها قرار داده و هزاران تن از مردم کرد را از خانه و گاوخانه خود آواره کرده است. در چنین شرایطی نیروهای جنبش ملی خلق کرد در هر دو کشور، نه تنها با بدخوف خود را در مبارزه علیه رژیم سرکوب گروگام برکشور خود فشرده تر می کنند، بلکه با بددربار رژیم علیه رژیم های هر دو کشور نیز به یاری هم میشتابند.

سازمان با تمام امکانات علیه جنایات وحشتناک و دمدمشانه رژیم مدام علیه خلق کرد عراق اعتراض می کند. سازمان از هیچ کوششی در حمایت از مردمی که تحت ستم جلادان یعنی قرار گرفته اند، فروگذار نمی کند و تقویت و همبستگی با مبارزه مردم کردستان عراق را وظیفه میرم خود می شناسد. منافع خلق کرد در مصالح عمومی مردم کشور ما اقتضا می کند که صفوف نیروهای جنبش ملی فشرده شود و بخصوص از وقوع هر نوع درگیری و برادر کشی اجتناب شود. راه همکاری و اتحاد نیروهای جنبش ملی خلق کرد با یکدیگر و با همه نیروهای مترقی کشورگانه راه پیشرفت و تقویت جنبش ملی خلق کرد و تقویت مبارزه سراسری علیه رژیم است.

در یک سال گذشته در مناسبات میان نیروهای پیرو سوسیالیسم علمی تغییر مثبت و درخور توجهی پدید نیامد. این نیروها همچنان عمده قوای خود را در راه خنثی کردن یکدیگر و نیز در راه حل مشکلات درونی خود متمرکز کرده اند. مشکلات درونی هر کدام از آنها مانع از آن شده که آنها بتوانند با همه نیرو و امکاناتی که در اختیار دارند، در منحنه سیاسی کشور خروفعال شوند. همین مشکلات به سهب خود، از نزدیکی و همکاری میان این نیروها در راه آماج های مشترک که بسیار وسیع و پربار است، جلوگیری کرد.

اوضاع کشورهای بی است

رتقا!

این بررسی ها موید آن است که رژیم، در اثر ادامه هشت سال جنگ، بحران اقتصادی، جنگ قدرت در درون هیات حاکمه، اختناق و سرکوب، تئوکراسی، و ناراضی بی همتا، در ضعیف ترین موقعیت خود قرار گرفته و به شدت آسیب پذیر شده است. تحت تاثیر این عوامل، اوضاع کشورهای بی است رژیم تلاش دارد، با ادامه و تشدید سرکوب، این بحران را مهار کند و اوضاع کشور را در کنترل خود نگه دارد. نتیجه این تلاش رژیم، خروج یا عدم خروج رژیم از موقعیت آسیب پذیر کنونی اش، سمت تحول اوضاع کشور، به میزان زیادی به تحولات در نیروهای اپوزیسیون ترقی خواه رژیم بستگی دارد. به این بستگی دارد که رژیم نیروهای ملی جنبش ترقی خواه کشور، در سمت شکل دادن به لائبرالیست می تواند کند. همه نیروهای مدافع صلح، آزادی و سرتنگونی رژیم مبادرت می کنند یا خیر.

امروز همکاری و اتحاد عمل همه نیروهای مترقی مدافع صلح یا یسدار و آزادی خواه کشور در راه آماج های مشترک و تا مین اتحاد آنها در یک جبهه وسیع برای سمت دادن به اوضاع و روندهای بی کشور، اهمیت جدی یافته است. استدلال این است که سازمان می تواند همکاران همه این نیروها تا مین شود و اتحاد آنها در یک جبهه وسیع شکل بگیرد. هدف این جبهه، سرتنگونی رژیم و ولایت فقیه (جمهوری اسلامی)، تشکیل دولت موقت، تا مین آزادی و حفظ صلح و فراتر دادن مجلس موسسان است. همه احزاب، سازمان ها، جنبش ها، جمعیت ها، شخصیت های مترقی، صلح دوست و آزادی خواه کشور که رژیم سلطنتی رژیم ولایت فقیه را رد می کنند، و اهداف این جبهه را می پذیرند، می توانند در آن شرکت کنند. شیوه های متفاوت مبارزه، مانع از شرکت این نیروها در جبهه نیست.

در شرایط کنونی این نیروها می توانند در جبهه شرکت کنند. حزب تبود ه

سلول های انفرادی کشیده است. جان بسیاری از فرزندان دلاور خلق در خطر جدی است. رژیم تبهکار خمینی قصد دارد زندانیان سیاسی مفاوم را گروه گروه، بی سرودا سر به نیست کند. سران رژیم فرمان اعدام های بدون محاکمه و دسته جمعی زندانیان سیاسی را علنا و رسماً صادر کرده اند.

اعدام های گروهی تازه به دلیل ترس سران رژیم از آینده خود به قصد حفظ بقای این رژیم صورت می گیرد. رژیم برای مرعوب کردن مردم و زهرچشم گرفتن از آنان، و جلوگیری از گسترش اعتراض و مبارزه میلیون ها نفر - مومطن ما علیه رژیم است که به ترور خونخواهران زندانیان سیاسی متوسل شده است. موج جدید ترور و سرکوب خمینی در ماه های اخیر، زمانی شروع شد که شکست رژیم در جنگ بر ملا شد و به موازات نمایان تر شدن درم ننگی و زونوسی رژیم و تسلیم خمینی حانی به خواست و اراده صلح خواهان مردم گسترش یافت. هنوز سیل خون جبهه قطع نشده، قتل عام مبارزان راه صلح، آزادی و راهی ایران توسط رژیم شروع شده است. برای مقابله با این وحشی گری ها، باید همه خلق، همه سازمان های مترقی کشور شوند و برای نجات جان زندانیان سیاسی ایران اقدام و عمل مشترک را سازمان دهند.

در این مدت ترور و سرکوب خمینی تعدی از زیاده ترین رفتار ما را از میان ما ربود. در خرداد ماه ۶۷، رفیق انوشیروان لطفی، عضو صا و رهبران سیاسی کمیته مرکزی، تهران ایستادگی در زندان های دور رژیم و انقلابی نامدار ایران به شهادت رسید و تا من جا و داده شد. رفیق انوشیروان لطفی، شخصیت نامدار جنبش انقلابی ایران طی مدت پنج سال شکنجه های مرگ بار رژیم - دمدمش خمینی را با دلاوری تحمل کرد. طی این سالها او در عیاب بارها مرگ چهره به چهره شد. اما سر ارفع و راز زمانش، سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) را از دستبرد رژیم دشمن خلق مومن داشت. او در راه مردم بین خویش جان خود را نثار نمود. حدود یک سال و چند ماه قبل از شهادت انوشیروان لطفی رضا اکبری شان نیز، عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان ما، در پی زندیک به پنج سال اسارت، در همدان افسندماه ۱۳۶۵ به دست جنایتکاران رژیم شهید شده بود. او را به خاطر مدافع کردن سازمان از افسندماه رژیم علیه فداییان خلق به شهادت رساندند. او در راه خدمت به سازمان از جان گذشت و سنت بیگانه رتاییان حان فداییان خلق را به سهم خود زنده نگه داشت. در همرماه ۶۶، رفیق قهرمان محمود زکی بور، یکی از گاد های برجسته و برسا متفکران سازمان، رفیقی که دودهد در جنبش بیگانه کرده بود، به همراه شماری از زندانیان سیاسی دیگر به شهادت رسید. رفیق محمود، چهار سال در زیر شکنجه های رژیم با مردانگی تمام ایستاد و در برابر بروحی گری های درخیمان خم برای بر و نیواورد. ربودن محمود از دما ن مردم، داغ ننگ و نفرین دیگری بر پیشانی خمینی جنایتکار است. در شاه زهترین اعدام گروهی رژیم در ۲۹ تیر ماه ۶۷ یکی از گاد های برجسته سازمان، یکی از مسئولین واحدهای سازمان در داخل کشور، رفیق قهرمان فرامرز صوفی به شهادت رسید.

رفیق فرامرز با خطا بر پایداری در مقابل درخیمان و با یبندی بد آرمسان خود اعدا م کردند. به همراه رفیق فرامرزش تن دیگر از فرزندان دلاور مردم نیز به شهادت رسیدند.

طی این مدت رژیم خود را، در چندین نوبت و در هر بار، دهها نفر سراز مبارزین راه صلح و آزادی را به شهادت رسانید. رژیم جنایتکاران همه آنان را بر ملا نکرده است. در میان این شهادت نام رفیقان توده ای سعید آذرننگ گاد بر سا بقدر قهرمان، فاطمه مدرس گاد بر سر جسته، کبوتر زینسان عضو کمیته مرکزی و رفیق انوشیروان ابراهیمی عضو هیات سیاسی حزب توده ایران و نیز نام تعدادی از اعضای سازمان مجاهدین خلق شکار شده است. در مرداد ماه، با زنده تن از اعضای سازمان مجاهدین در مقابل چشمان مردم در استان باختران به دلاوری و بیخنده شدند. اکنون رژیم به هیانه درگیری مردم مجاهدین با نیروهای رژیم در غرب کشور، نقشه پلید خود را در انتقام گیری از آنان و دیگر اعضای سازمان های مبارزین را اجرا گذاشته است. خبرها حاکی است که حکم اعدام ۵۵ تن از زندانیان سیاسی و بسته به سازمان های سیاسی مترقی مورد تایید پیدا گاد های رژیم قرار گرفته و هر روز شمار زندانیان بی سرودا به جاسرا گذاشته می شود. رژیم برای جلوگیری از درز جنایات خود در زندان ها، ملاقات زندانیان و اولین راه مدت دوماه ممنوع کرده است.

زندانها را در معرض انتقام جویی شدید رژیم قرار گرفته اند. هر روز که می گذرد شمار دیگری از آنان به شهادت می رسند. علیرغم این شرایط خفقان بار، شیران دربند ایستادند و در برابر رژیم دمدمشه سیاسی به عقاب نمی گذارند. در ماه اخیر زندانیان اولین علیه دمدمشه رژیم را اعتبار عیب کردند و اعتصاب غذای آنان ادامه داشت. بیاضیم، و در برابر ولایتی سر ایستادگی زندانیان سیاسی، در برابر بیامردی و جنایات رژیم، شهیدان به خون فغنه خلق، در محرام و گرامی داشت با همه فداییان شهید و پیرو سرتنگونی شخصیت نامدار و فرزند کبیر خلق، رفیق انوشیروان لطفی سرتنگیم فرود آورید.

رتقا!

اعدام های دسته جمعی رژیم در ماه های اخیر، اولین جنایت خمینی و مدهستان تبهکار و نوبوده و آخرین از نین خونخواهد بود. رژیم نه فقط انقلابیون و مبارزان راه بطور گروهی سر به نیست می کند، بلکه حتی اپوزیسیون قانونی حضرت امام را نیز از زغری مومن نداشت است. سران این رژیم خونخوار حتی یاره تن خود را نیز به جوخه اعدام سپرده اند. خون ریزی های رژیم در این فاصله مدلی می کند که سرکوب رژیم شدید تر شده و دایره سرکوب نیروهای مخالف نیز گسترش یافته است. این امر قبیل از هر چیز با موقعیت آسیب پذیر رژیم مربوط می شود. خمینی و هم دست نشانی برای جمهوری اسلامی از بحران و از موقعیت آسیب پذیرش، خفقان و سرکوب را به طبعی سوری بی سابقه ای گسترش داده و می دهند. این امر، مطالبه و مدافعه آزادی را به مساله میرم حیات می جنبش دمکراتیک کشور تبدیل کرده است. آزادی شعار وسیع ترین نیروهای دمکراتیک جامعه است. امروز که جنگ قطع شده، آزادی به عمده ترین و میرم ترین نیاز جنبش تبدیل شده است.

در مبارزه برای آزادی، مقابله با بیگانه دشمنان و اعضای سازمانهای انقلابی و مترقی و به ویژه مبارزه با خطرات جان زندانیان سیاسی ایران حائز اهمیت ویژه است. اگر دست جلادان رژیم با اتحاد همه نیروهای خواه کشور و همکاری آنان در حمایت از زندانیان سیاسی، در کمک به خاندان شهادت، در جلب حمایت جهانی از نجات زندانیان سیاسی قطع نشود، خسود آزادی خواهان با زهر ریخته خواهد شد. همکاری و همکاری همه نیروهای دمکراتیک کشور در راه آزادی زندانیان سیاسی و نجات جان آنها، قدم واقعی در تا مین اتحاد این نیروها برای نیل به صلح و آزادی و سرتنگونی رژیم خون ریز خمینی است.

آرایش نیروهای سیاسی کشور در شرایط کنونی

موهومات، خرافات مسموم کرده است، سران رژیم همچنان سعی دارند که بیجا علم‌ستیزی، کثافت‌فروشی و القای خرافه پرستی، شعور و آگاهی را به بند کشند، مردم را تحقیر کنند و از مسریمبارزه علیه رژیم جبهه و جور آخوندی منحرف کنند. سلطه ففاهت بر فوا و سبب و آرا ده کشور باغ بیشترت جامعه ماست، و باید با تمام وجود علیه مبارزه کرد. اهمیت این مبارزه تنها به خاطر آن نیست که جمهوری اسلامی، بسک رژیمم استبدادی آخوندی است، بلکه به این لحاظ نیز هست که در حال حاضر بخشی از نیروهای اسلامی جنش ضد رژیم نژاد پرستی استقرار نوع دیگری از حکومت مذهبی به جای رژیم کنونی هستند. در این راستا سازمان ضمن تاکید بر حق مردم در انتخاب آزادانه عقیده و مذهب، هم چنان بر شعار جدایی دین از دولت و مبارزه برای تحقق این شعار تاکید می‌کند. سیاست سازمان، هم چنان متوجه آن است که مبارزه و مقاومت مردم علیه تحمیلات ارتجاعی و تقشیش عقاید متشکل شود و آگاهی آنان تا نفع کامل هر نوع رژیم مذهبی ارتجاعی با بسند، وضع کنونی رژیم و ارزیابی واقع بینانه از اوضاع آتی کشوریبا نگران است که رژیم در برابر این ارزیابی و مبارزه مردم و سازمان های مترقی در این راستا به عقب نشینی های معینی تن خواهد داد.

رفقا!

پس از قطع جنگ و آغاز مذاکرات دو کشور برای حل اختلافات از طریق سیاسی نیز، مردم همچنان ملج با بد را طلب می کنند. تجربه هشت سال جنگ و ویرانگری سپه بوده، مردم رابه معتقدان ثابت قدم ملج یا بد را تبدیل کرده است. ما همچنان وظیفه داریم مردم را برای جلوگیری از تفرق آتش بس توسط دو رژیم و پیشروی آنها در راه استقرار صلح با دوام بسج کنیم، چرا که نفع آتش بس و اخلاص در مذاکرات آغاز شده از سوی هر دو رژیم عراق و ایران واقعی است. رژیم عراق قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر نمی پذیرد و جمهوری اسلامی نیز بسج نیرو و گسیل مردم به جبهه ها؛ متوقف نگردد، بسج و حالت جنگی در کشور ما مخته علام نشده است. طرفین باید قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را امینای مذاکرات صلح قرار داده و به حالت جنگی و تحریک علیه یکدیگر با یان ندهند و همدا اختلافات فیما بین را از طریق مذاکرات صلح جویانه حل و فصل کنند. همه این واقعیتها بیگمان آن است که مبارزه برای استقرار صلح با بد را تبدیل ایران به عامل صلح در منطقه، همچنان از مهم ترین وظایف فدایان خلق ایران و همه نیروهای صلح دوست کشور ما است.

مبارزه در راه زودن همه آثار نرنکت با رنکت آزندگی مردم، جزء مبارزه در راه استقرار صلح با بد را و تسهیل کننده پیروزی آن است. سازمان در راه زودن د این آثار، خواهان آن است که بازگشت بدون بیکسرد خانواده هایی که به خاطر نجات فرزندان و جوانان خود، سر با زان نظ میمان و همه کسانی که به خاطر مخالفت با جنگ وطن خویش را ترک کرده اند، تا مین شود و امنیت کامل آنان تضمین گردد. همچنان سازمان خواهان آن است که بیکر همه انسا، در جدها، ان، سر با زان و سپاهانی که به خاطر بچیم تمکن به سیاست ها و فرا مین جنگی تحت تعقیب قرار گرفته اند و همه مشمولانی که به دلیل آرزوتن به سر با زان و جبهه سر با زده اند، فور و سما خا تسسه باید، فضا و محدودیت های گوناگون سیاسی، اقتصادی و اجتماعی علیه مخالفان جنگ ملنی اعلام شود. در طی هشت سال جنگ، بیش از یک میلیون تن از هموطنان ما در مناطق جنگی، آوار ه شهرهای دیگر شدند. اکنون آنها و بهر هزار و سها در مناطق امنی گردند، در حالی که زمین های سوخته و خانه های ویران انتظار آنها را می کشد و هشت سال آوارگی نیز آهی در ساط آنان باقی نگذاشته است، مسئول این وضع سران رژیم هستند. سازمان خواهان پرداخت خسارت به آنها از سوی رژیم است. خواهان آن است که هزینه زندگی خانواده هایی که نان آرزو و سرپرست خود را در این جنگ کثیف از دست داده اند، توسط رژیم تأمین شود. رفغی سر درنگ تعقیب مخالفان جنگ و کمک همه جانبه به آسیب دیدگان، درخواست فوری بخش بزرگی از مردم ما است.

سیاست سازمان متوجه آن است که مردم این گونه حقوق خود را بر رژیم با ستانند. **رفقا!** یکی از نتایج نکت با رادامه جنگ و سیاست های رژیم، تحمیل یک زندگی طاقت فرسا به زحمکنان مین ما است. زندگی زحمکنان هیچ گاه مثل امروز افسا بر نیوده است. در اثر جنگ و سیاست های رژیم، صدها هزار نفر، به طور دسته جمعی از کار اخراج شدند و چند میلیون نیروی کار جدید پیدا کردن کار محروم شدند. امروز یک ارتش چهار میلیونی از بیکاران بوجود آمده است. بیکاری توده های به توبه خود، زندگی مردم را وخیم تر کرده است، مردم زحمکنی برای رهایی از این وضعیت خواهان کار، رفاه و عدالت اجتماعی می سوده و هستند. در مبارزه برای رفاه و عدالت اجتماعی، مبارزه برای تأمین حق کار برای بیکاران، تصویب و اجرای یک قانون کار مترقی جای ویژه دارد. سازمان بارها اعلام کرده است که با همه اخراج شدگان به سر کار خود بازگردند بیمه بیکاری با شرایط مناسب تا زمان بازگشت به کار برپا شود و کاشفان سون کار و تأمین اجتماعی مترقی به طور دمکراتیک تدوین، تصویب و به اجرا گذاشته شود.

مبارزه در راه رعایت حقوق بشر، امنیت قضایی مردم و تأمین حقوق دمکراتیک آنان، تأمین حق ایجاد سازمان های اجتماعی و صنفی توسط همه مردم، از عناصر ثابت سیاست سازمان در مبارزه به خاطر تأمین آزادی های سیاسی و حقوق دمکراتیک مردم است. اگر نیروی کافی برای تحقق این خواسته ها بسج شود، رژیم هیچ چاره ای جز عقب نشینی در مقابل فشار مردم نخواهد داشت. تبدیل این خواست ها به شعار و مطالبه توده های میلیونی و متشکل کردن مردم حول آنها، وظیفه مهم دیگر ما در شرایط کنونی است. برای موفقیت در مبارزه به خاطر آزادی، فشرده شدن صفوف مردم و اتحاد همه سازمان های مترقی کشور ضروری است. فدایان خلق سالها است که برای تأمین نیاز تعدادی رزمند. امروز که جنگ قطع شده و آزادی جوقی دیگرانیک مردم عیول ترین نیاز و شعار جنبش دمکراتیک کشور شده است، تدارک اتحاد همگانی حول شعار آزادی، علیه رژیم از هر وقت دیگر ضروری تر شده و مبارزه فدایان خلق ایران و همه نیروهای مترقی و آزادیخواه کشور در این راستا اهمیت بیشتری یافته است.

رفقا!

عرصه مهم دیگر فعالیت فدایان خلق ایران، مبارزه علیه تحمیل افکار و سخن منجر و سطره شرع بر زندگی مردم، حیات جامعه و دولت است. تلاش برای ارتجاعی قضایی حاکم برای تخریب افکار ریوسیده خود به زندگی خصوصی مردم همچنان ادامه دارد. این سطره جویی کور، گرچه در جامعه و در عرصه تحمیل خرافه پرستی و تاریک اندیشی برشون زندگی مردم، با نکت هسا و ناگامی هایی روبرو شده، اما در عرصه تداخل دین و دولت و در اداره دستگاه دولتی همچنان به قوت خود باقی است. این تلاش های هیستریک نه تنها بیاعتراضی زحمکنان ایران روبرو شده، بلکه بخش های معینی از بورژوازی کشور را نیز معترض کرده است.

تفتیش عقاید و تحمیلات ارتجاعی رژیم، حق انتخاب آزادانه نحوه زندگی، حق آزادی عقیده و وجدان را از مردم سلب کرده و فضای جامعه را بشهر

ایران، فدایان خلق ایران (پیروسیا نیه ۱۶ آذر)، حزب دمکراتیک مردم ایران، سازمان کارگران انقلابی ایران (راکارگر)، نیروهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اقلیت)، حزب دمکرات کردستان ایران (کومله)، نیروهای جنبش ملی سا بر خلیقا، جبهه دمکراتیک ملی ایران، سازمان محامیان خلق ایران و دیگر نیروهای «شرای ملی مقاومت» همگام و مشخصیت های دموکرات که اهداف جبهه را میبپذیرند، نهضت آزادی و جمعیت دفاع آزادی و کامیت ملت ایران و سایر جریانات مشابه با پذیرش اهداف این جبهه، متواضعند در آن شرکت کنند.

سازمان در مناسبات خود با این نیروها، از اصول همکاری و احترام متقابل، استقلال و عدم مداخله، و برابری حقوقی بیروی می کند. در عین حال سازمان ضمن بایبندی به این اصول، اشتباهات آمیز متحدین و تبلیغ مواضع خود را حق غیر قابل بحث خود می شناسد.

سازمان در راه متحد شدن این نیروها در جبهه گسترده و در راستای آن، آماده است که حول آماج های مشترک و مورد توافق با این نیروها به همکاری و اتحاد عمل دویا چند جانبه دست بزند.

بیکار برای سرنگونی و تأمین آزادی، صلح با بد را و عدالت اجتماعی

رفقا! در ماههای اخیر، سران رژیم ایضا در کوب و خفقان رابه طوری ساته ای افزایش داده اند. در شهرها، گشتل، با زرسی و با زجویی خیابانی هموطنان ما به امروزه و عادی تبدیل شده است. ارگان های سرکوب رژیم به منظور سر با زگیری، دستگیری مشمولین و سر با زان فراری و بازداشت فعلی بسن سازمان های انقلابی، مناطق مختلف شهرها را محصور می کنند، با بریسن را با زرسی و با زجویی می کنند و هر فردی را که مایل باشد ندا زداست می کنند. قانون شکنی و امنیت ستیزی ارگان های سرکوب سی حدود مرز شده است. هیچ گاه مثل امروز، مردم ما احساس عدم امنیت نگردد اند.

لهتیزاً اقدامات سرکوبگرانه رژیم متوجه زندانیان سیاسی است. مطابق آخرین اخبار و اطلاعات در لحظه کنونی یک کشتار واقعی در زندان های کشور در جریان است. اعدام ها در حدی است که شهیدی خلق را در کوره ای جمعی به خاک می سپارند. اعدام های جمعی و بدون محاکمه کنونی زندانیان سیاسی، با جنایات رژیم در سال ۶۶ قابل قیاس شده است. سیاست سر به نیست کردن زندانیان سیاسی مقاومت ایران، نگرانی، اعتراض و نفرت خانواده های زندانیان سیاسی، سازمان ها و نیروهای آزادیخواه کشور را بار بار انگیزه است.

وضع نگران کننده زندانیان سیاسی و تشدید سرکوب، به ویژه در شرایط قطع جنگ و گنوده شدن جبهه انداز صلح، مبارزه برای آزادی های سیاسی و نجات جان زندانیان سیاسی را در راس وظایف نیروهای ترقی خواه و مردم کشور ما قرار داده است. در شرایط کنونی، آزادی مبرم ترین نیاز سوده مردم، همه سازمان ها، نیروها و شخصیت های مترقی کشور است. سازمان تلاش می کند که این نیاز را به خواست و شعار وسیع ترین نیروهای اجتماعی کشور تبدیل کند.

در مبارزه برای آزادی، مبارزه برای نجات جان زندانیان سیاسی کشور از اهمیت ویژه برخوردار است. فدایان خلق و همه آزاد و خواهان انسان دوستان با پیدا هرا مکانی که در اختیار دارند و به هر طریق که مناسب تشخیص می دهند، تلاش کنند که فشار شکنجه و کشتار زندانیان قطع شود. باری همگامانه به خاطر خواهان شهید، زندانیان سیاسی، مفقود شدگان، بازمان دادن مبارزه آنها، انعکاس مبارزه زندانیان و خانواده ها عا آنها، بسک اقدام مبارز در راه نجات فرزندان اسیر خلق است.

یکی از عناصر ثابت سرکوب رژیم، بیکر دویا زداست اعضا و فعالین سازمان های مترقی ایران است. مقابل با این بیکر دها، از طرزومات مبارزه برای آزادی است. قدم اول در مقابل به مورثا این بیکر دها، مطلع کردن فعالین جنبش از مراقبت ها و توطئه های حواسن رژیم و کمک به آنها برای رهایی از دستگیری، از سوی مردم است. این کار مردم، در عین حال یک اقدام مورثی بسگرانه برای جلوگیری از شکنجه و اعدام فرزندان آنان در زندان های رژیم است. بدون کمک و شرکت مردم نمی توان سیاست سرکوب سازمان های انقلابی توسط رژیم را با نکتت روبرو کرد. هرا بر این آزاده، شریف و انسان دوست و وظیفه دار که به فرزندان مبارز خلقی در مقابل بیکر د سرکوب رژیم باری رساند. آگاه کردن مردم به نقشی که در این زمینه می توانند ایفا کنند، یکی از وظایف فوری ما در مبارزه برای خضی کردن توطئه های سرکوب رژیم است.

مبارزه در راه رعایت حقوق بشر، امنیت قضایی مردم و تأمین حقوق دمکراتیک آنان، تأمین حق ایجاد سازمان های اجتماعی و صنفی توسط همه مردم، از عناصر ثابت سیاست سازمان در مبارزه به خاطر تأمین آزادی های سیاسی و حقوق دمکراتیک مردم است. اگر نیروی کافی برای تحقق این خواسته ها بسج شود، رژیم هیچ چاره ای جز عقب نشینی در مقابل فشار مردم نخواهد داشت. تبدیل این خواست ها به شعار و مطالبه توده های میلیونی و متشکل کردن مردم حول آنها، وظیفه مهم دیگر ما در شرایط کنونی است. برای موفقیت در مبارزه به خاطر آزادی، فشرده شدن صفوف مردم و اتحاد همه سازمان های مترقی کشور ضروری است. فدایان خلق سالها است که برای تأمین نیاز تعدادی رزمند. امروز که جنگ قطع شده و آزادی جوقی دیگرانیک مردم عیول ترین نیاز و شعار جنبش دمکراتیک کشور شده است، تدارک اتحاد همگانی حول شعار آزادی، علیه رژیم از هر وقت دیگر ضروری تر شده و مبارزه فدایان خلق ایران و همه نیروهای مترقی و آزادیخواه کشور در این راستا اهمیت بیشتری یافته است.

عرصه مهم دیگر فعالیت فدایان خلق ایران، مبارزه علیه تحمیل افکار و سخن منجر و سطره شرع بر زندگی مردم، حیات جامعه و دولت است. تلاش برای ارتجاعی قضایی حاکم برای تخریب افکار ریوسیده خود به زندگی خصوصی مردم همچنان ادامه دارد. این سطره جویی کور، گرچه در جامعه و در عرصه تحمیل خرافه پرستی و تاریک اندیشی برشون زندگی مردم، با نکت هسا و ناگامی هایی روبرو شده، اما در عرصه تداخل دین و دولت و در اداره دستگاه دولتی همچنان به قوت خود باقی است. این تلاش های هیستریک نه تنها بیاعتراضی زحمکنان ایران روبرو شده، بلکه بخش های معینی از بورژوازی کشور را نیز معترض کرده است.

علیه ترور و اختناق، علیه شکنجه و اعدام، بیا خیزیم!

پیام بلنوم به زندانیان سیاسی

رفقا! و همزمان دریند
کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) پرشورترین دروهای خود را بنام شما می کند. شما که در شرایط فوق دشوار شکنجه گاه ها و سیاهال های رژیم با یامردانه مبارزه و مقاومت می کنید، در یکی از حساس ترین شرایط تاریخ میهن ما، نقش بی بدیل در دفاع از آرمان های مترقیانه مردم و حفظ شرف انقلابی زندهگان خلق ایفا می نماید. امروز مبارزه شما تنها مقنا و مست ساد جسم و روح در برابر اشراف و شکنجه نیست، مبارزه ای است بویچیده در انطقاق با شرایط بیچیده سیاسی حاکم بر کشور و پاسخی است نایسته به نیاز جنبش انقلابی خلق.

پاران زندانی
تشدید شکنجه و اعدام انقلابیون دریند، صوج خونی که هم اکنون در زندان های خمینی به راه افتاده است، کشتار جمعی زندانیان سیاسی، برپا بیسی گورهای دسته جمعی در گورستان های تهران و شهرستان ها، خشن ترسین جلوه تشدید ترور و اختناق در لحظه کنونی است. کشتار گروهی انقلابیون در درون و بیرون زندان ها که همزمان با تحمیل آتش بس به رژیم صورت می گیرد، تنها یک اشتقاق کسوی گور فقیهای جنگ پرست از مردم ملج دوست کشور نیست. این اقدام تبهکارانه مشخصاً یک حرکت سیاسی از جانب رژیم و حاکمی از بیم آن از آبنده است.

رژیم بعد از شکست به آتش بس با موحی از مبارزات مطالباتی مردمی و روبرو است که کار، نان، آموزش و امنیت و آزادی می خواهد. خمینی که برای انبوه سؤالات و خواست های عادلانه مردمی که خونخواهی عزیزان از گرفتارنده خود بر می خیزند، با شخصی نذار د، جاره کار را در تشدید سرکوب و اختناق و نیز محروم گذاشتن جنبش از رهبران کار آزموده جستجو می کند.

زندانیان سیاسی نخستین و قابل تدسرس ترین قربانیان سیاست تبهکارانه رژیم اند. کشتار مسار زمین اسیر و گسترش آبنام دیگر در ویا زدا شست و شکنجه اهرمی است جهت ایجاد فضای رعب و وحشت در جامعه به قصد میار جنبش دمکراتیک توده ها و از طرف دیگر و تبقیه ای است برای جلب دوستی و اعتماد هر چه بیشتر قشرهای ارتجاعی و ارتکار محاسبه و امیریا لیست ها.

رفقا! و همزمان گرامی!
شما هم سنگران زندانی ما در چنین شرایط خطیر و بیچیده ای است که به بیگانه رتا به آخر خود در دفاع از صلح، آزادی و حقوق مردم زحمتکش تدا و می بخشید. این ایستادگی و رزم از راج بی باکی بیرونی است. بی جهت نیست که آواز بیگانه را در شما مرزها و کشور در نوید دیده و در صلح جهان طبنسی اوج گیرنده و خاموشی ناپذیر یافته است.

سلطه استبداد مذهبی در میهن و بیورش دا منگستر گزمنگان رژیم به مردم، آزادی را در مقام نیساز مبرم جنبش و لاجرم بیگانه خاطر آزادی را به مثابه حلقه نخستین جنبش خلق در دستور کار ما انقلابیون قرار داده است.

همان گونه که رژیم جان زندانیان سیاسی را آماج مقدم سیاست تشدید سرکوب خود قرار داده است دفاع از جان و حقوق زندانیان سیاسی نیزگانسون اصلی مبارزه آزادی خواهان کشور است. برپایی اتحادهای وسیع بپرامون "آزادی" چه در درون و چه در بیرون زندان ها امروز ضرورت با زهم بیشتری برخوردار است. شما با بیگانه رمتحه خود در درون سیام جال های رژیم، بیثنگا مان و منادیان واقعی اتحاد عمل و وحدت صفوف بیگانه رگران راه آزادی و بهر روزی مردم هستید. رزم استوار شما در درون زندان ها با زتاب مبارزات توده ها است و اتحاد عمل گسترده شما در مقابل با دشمن مشترک پاسخی است درخور به نیاز جنبش جنبش.

پاران شما در بیرون از حصارهای زندان از شما می آموزند و در دفاع از جان شریف و پاک شما به جان می گویند. رزم و یابرداری شما از پشتوانه عظیم جهانی برخوردار است. رژیم سرکوب گروایلت فقیه به دفاعات در نقض خشن حقوق بشروعدی به ان و حقوق زندانیان سیاسی از جانب سازمان ها و مجامع و انکارتسین المللی محکوم شناخته شده است.

مردم با دیدگر سرود خوش آهنگ "زندانی سیاسی آزاد با یگردد". راداران ایران به یند کشیده طبنسین! نذا زخوا هند کردید. سرنگونی رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی قطعی است. عزمتان استوار، رزمتان بیروز با د.

چا و دان با دبا دقیر ما نان شهید!
بمروز با درزم سترک زندانیان سیاسی ایران!
سترگون با در رژیم مستبد و ولایت فقیه!

کمیته مرکزی سازمان
فدائیان خلق ایران (اکثریت)
شهریور ماه ۱۳۶۷

پیام کمیته مرکزی سازمان به اعضاء و هواداران سازمان در خارج کشور

فدایان خلق!
در اعتراض به کشتار زندانیان سیاسی همه امکانات خود را بکار گیرید.

افکار عمومی جهان را علیه کشتار زندانیان سیاسی ایران بیدار کنید.

رفقا!
در زندان های جمهوری اسلامی از بیگانه رتوان دریند خلق جوی خون جاری است. رژیم خون آشام خمینی زندانیان سیاسی را گروه گروه به جوجه های اعدام می سپارد. کوجه ها و خیا با نها به منظور با زدا شت های جمعی در ترق با ساداران و مزدوران امنیتی رژیم خمینی است. برای ربودن ترزندان مردم را هزینه به خا نه ها بیورش می آورند. زندانیان سابق را دوباره با زدا شت می کنند و به شکنجه گاه ها می برند.

خاوران این کلزار به خون خفتگان، شاهد گورهای جمعی تازه ای است.

با همه امکانات و جمعتوان خود به آتش این جنایات برخیزید!

افکار عمومی جهان را علیه کشتار زندانیان سیاسی ایران بیدار کنید.

با بهره گیری از همه امکانات و بانام قوا برای نجات جان زندانیان سیاسی ایران اقدام کنید.

علیه جنایات هولناک رژیم خمینی، در هر کجا که هستید، دستیارا به انجا دینشید، منت هسارا با اعتراض برافرازید، فریادهای خشم طبنسین اندازید.

کمیته مرکزی
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
شهریور ۱۳۶۷

پیام بلنوم به آزادبخواهان ایران

آزادی خواهان ایران! زندان ها را به خون کشیده اند، با خیزیم.

بسی از برقراری آتش بس رژیم خمینی می درنگ نقشه قتل عام زندانیان سیاسی سرکوب خونین همه مدافعان صلح و آزادی و ترقی راه را جدا گذاشت. اینک شیرهای ایران توسط سایبان رژیم قرق شده است. هجوم سراسری به خبا بانه ها و دستگیری گروهی نیروهای ملج دوست و آزادی خواه در جریان است. زندانیان آزاد شده را مجددا دستگیری می کنند. ملاقات زندانیان در تمام زندان های کشور ممنوع شده و راهی را چاکی از اعدام گروه گروه زندانیان سیاسی و بسته به اعدام های ترقی خواه مختلف و دفنی آنها در گورهای جمعی است. فقط طی مرداد ماه ۵ گور جمعی کشته حاکی از با اعدام دسته جمعی زندانیان است.

پیام بلنوم به بزرگواران و دیرکل سازمان ملل متحد

از کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت):
به: آقای خا و بریرزد و گوشتیار، دیرکل سازمان ملل متحد

با ایران تنگروانی بسیار رشدهای علام می کنیم که در بی آتش بس درجه ها، رژیم ایران جنگ کینسیف دیگری را علیه مردم شریف کشور ما آغاز کرده و به کشتار گروهی زندانیان سیاسی ایران بودن نیا نه آنها در گورهای جمعی مشغول شده است. اقدامات تبهکارانه اخیر رژیم ایران شامل موارد عمده زیر است:

- ۱- قرق شیرهای کشور توسط سایبان و نیرو - های پلیس.
- ۲- کنترل شدید مکالمات تلفنی و مکاتبات مردم ایران با خارج از کشور.
- ۳- با زدا شت گروهی مردم در خیابانها و تقش سر؛ سری خانه ها و سیر کردن مردم با اتهامات جعلی.
- ۴- دستگیری مجدد زندانیان که دوره محکومیت خود را سیری کرده و آزاد شده اند.
- ۵- ممنوع کردن ملاقات زندانیان سیاسی و قطع رابطه زندان با خارج.
- ۶- نفوذا کلمات و سلب هرگونه مکانی برای دفاع متهمین از خود و صدور احکام به شوه دادگاه های صحرایی.
- ۷- اعدام گروهی زندانیان و دفن آنها در گورهای جمعی طی ماه اوت ۵ گور جمعی فقط در

پیام بلنوم به کمیته مرکزی حزب کمونیست و حزب کارگر ترکیه
به کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکیه و کمیته مرکزی حزب کارگر ترکیه

همزمان گرامی!
بلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با زدا شت و محکومیت رفقا حیدر عدالت اجنای هستند، آشکار کرده اند، محاکمه رفقا کوتلو و سارگین که برای اشبات اراده مردم ترکیه در دفاع از آزادی و دمکراسی و عدالت بس کشور خود با زشته اند، موج اعتراض نیروهای آزادی خواه و مترقی سراسر جهان را برانگیخته است.

اعتراض به ادا دگا های فرمایشی ترکیه، پشتیبانی و حمایت گسترده جنبش برای آزادی رهبران احزاب کمونیست و کارگر ترکیه، دفاع از حق، عدالت، آزادی، شرف و وحدان بشری است.

رفقای گرامی!
همه اعضاء و هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ضمن ابراز همبستگی رزمجویانه با عزم و رزم شما، در هر نقطه جهان همچنان در کنار رها بی رهبران کمونیست ترکیه با همه نیرو و مشارکت فعال خواهند داشت.

بلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به رفقا کوتلو و سارگین که به خاطر دفاع از شرف و آزادی به یند کشیده شده اند، درود می فرستد و خواهان آزادی هر چه زودتر آنها است.

با بر فرغ ترین درودها
بلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
شهریور ۶۷

در گورستان حاده خاوران در تهران کشف شده است. این قبرها کم عمق است و توسط بولدوزر زده شده است. زندانیان را بطور گروهی و بدون محاکمه شبانه سر به نیست می کنند، سیل خون از سراسر زندان های رژیم جنایت جاری است. برای دفاع از زندانیان سیاسی، برای قطع فجیع ترین جنایات تاریخ تبه رژیم، با یبندی درنگ تمام سیاسی و شخصیت های ملی و میا رزیسیج گردد.

با زمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از همه سازمان های سیاسی و مبارز ایران، از همه سینه شخصیت های ملی و مترقی دعوت می کند تا بی درنگ همه امکانات خود را برای جلوگیری از کشتار زندانیان و خنثی کردن هجوم دممنشانه و سراسری رژیم به مردم ترقی خواه کشور به کار اندازند.

کمیته مرکزی سازمان
فدائیان خلق ایران (اکثریت)
۱۳ شهریور ۱۳۶۷

گورستان خاوران که در جنوب شرق تهران واقع است، کشف شده است. موارد فوق نموداری از تبهکاری های اخیر رژیم ایران است. بسیاری از مردم در خانه خود یا در کوجه ها و جلوشم بستگان و مردم عادی و در ملاع عام اعدام می شوند و بسیاری زیر شکنجه های طاقت فرساجان می سپارند.

آقای دیرکل!
در زندان های ایران خون جاری است. مردم ایران توسط رژیم تبهکارانه خون کشیده می شوند. به نام مردم ایران، به نام میلیون ها ستم دیده ایرانی، به نام زندانیان سیاسی ایران که آماج اصلی جنایات رژیم واقع شده اند، از شما درخواست می کنیم، بی درنگ فاجعه ایران را بس اطلاع نمایندگان همه کشورها برسانید و برای قطع این تبهکاری ها که برده حقوق و حرمت و حیثیت همه بشریت انجام می گیرد، هر چه سریع تر اقدام کنید. مردم ایران از شما همه ملل خواهان استارند که برای جلوگیری از این قتل عام بشرستیزانسه بی درنگ اقدام کنند.

با احترام و با امید اقدام هر چه فوری شما
کمیته مرکزی سازمان
فدائیان خلق ایران (اکثریت)
۵ سپتامبر ۱۹۸۸

آدرس
P.O. BOX
1091 WIEN
AUSTRIA

